

نقد و بررسی قرار بازداشت موقت در قانون دادرسی مصوّب سال ۲۸

دکتر حسنعلی مؤذنزادگان^۱

مقدمه

پس از تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوّب سال ۱۳۷۳ که نوعی دگرگونی بنیادی در سازمان و صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری ایجاد کرد، با گذشت پنج سال و اندی قانون آیین دادرسی دادگاههای مزبور در امور کیفری به مدت سه سال به طور آزمایشی به تصویب مقنن رسید. اگرچه این قانون وضعیت مراجع انتظامی و قضایی را در خصوص شیوه کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، نحوه دادرسی، تجدید نظر از آرای کیفری و موارد دیگر روشن نموده و این مراجع را که بدون وجود متن قانونی متناسب با موقعیت نظام جدید بودند، از بلا تکلیفی رهانیده است، لیکن آزمایشی بودن قانون و ضرورت انطباق آن با اصول نظام دادرسی ایجاب می کند که حقوقدانان اعم از استادان، قضات و وکلای دادگستری

هر چه ممکن و بیشتر به تجزیه و تحلیل قانون پرداخته و با بررسی و نقد و نیز تبیین نقاط ضعف و قوت آن، راهکارهای اساسی و لازم به قانونگذار ارائه نمایند.

مسئله قابل طرح این است که آیا مواد قانون مزبور که پس از حدود ۹۰ سال از سپری شدن وضع اولین قانون آیین دادرسی کیفری ایران تحت عنوان اصول محاکمات جزایی^۱ که از مجموعه قوانین تحقیقات جنایی فرانسه اقتباس شده بود- هماهنگ با تحول اصول و قواعد نظامهای دادرسی کیفری و نیز با توجه به قواعد و اصول دادرسی کیفری اسلام، گامی مثبت تلقی می‌شود یا خیر؟

نگارنده این سطور در آبان ماه سال ۷۸- حدود دو ماه پس از تصویب قانون - در یک سخنرانی علمی در محل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، به بررسی اجمالی برخی از مواد قانون مزبور پرداخت. در این بررسی معلوم شد که قانونگذار توفیق چندانی به منظور تضمین حقوق اجتماعی و فردی در هماهنگ شدن با تحولات آیین دادرسی در دهه‌های اخیر نداشته است.^۱

اینک یکی از مباحث مهم مطالب ارائه شده در سخنرانی را در زمینه بازداشت موقت با حکم و اصلاح و افزودن برخی مطالب به علاقه‌مندان پیگیری مسائل آیین دادرسی تقدیم می‌نماید.

در بررسی مبحث مزبور مبرهن می‌شود که قانونگذار در تدوین مقررات بازداشت موقت- که یکی از خطرترین اقدامات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی است- عنایتی به رعایت حقوق و آزادیهای اساسی متهم و نیز مصالح اجتماعی نداشته است. تازمانی که قانونگذار در اصلاح مواد مربوط و رفع ابهام از آنها- حداقل در پایان دوره آزمایشی قانون- همت نگمارد، نگرانی مقامات قضایی کشورمان در صدور قرار بازداشت موقت بی‌رویه و انباشته شدن زندانها از افراد بعضاً بی‌گناه و منتظر محاکمه، مرتفع نخواهد شد.^۲

۱- در گاه مجموعه سخنرانی‌های علمی گروه آموزشی حقوق، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره اول- سال ۱۳۷۹، صفحات ۱۴۲-۱۷۳.

۲- رئیس قوه قضائیه در جلسه مسئولان عالی قضایی با اشاره به نابسامانی و آشفتگی در صدور قرارهای بازداشت

در مقاله حاضر ضمن طرح عناوینی شامل: مخاطره‌انگیز بودن و دیدگاه فقه امامیه و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در صدور قرار بازداشت موقت، مقام صالح و موارد صدور و حق اعتراض متهم به آن و نیز محدودیتهای اعمال بازداشت و حق جبران خسارت متهمین بی‌گناه در صدور قرار بازداشت موقت غیرقانونی، مواد ۳۲-۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در خاتمه طرح مباحث، پیشنهاد رفع ابهامات و اشکالات مندرج در مواد مزبور به مقامات ذیصلاح ارائه گردیده است.

الف - مخاطره‌انگیز بودن بازداشت موقت

بازداشت موقت که ناظر به نگهداری متهم در زندان در طول تمام یا قسمتی از مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی است^۱، شدیدترین تصمیم اتخاذی علیه حقوق و آزادی‌های فردی و خطیرترین اقدام قضایی محسوب می‌شود. قرار مزبور در مرحله‌ای از ساز و کار تحقیقات و رسیدگی صادر می‌گردد که مجرمیت متهم مسلم نگردیده است و به لحاظ تجانس با مجازات سالب آزادی، با اصل برائت مغایرت آشکار دارد.^۲

→ موقت، به ضرورت تدوین رژیم مناسب بازداشت موقت و تجدید نظر در مقررات بازداشت مزبور تصریح نمود. و اظهار داشت: «در قوانین ما مواد جرم‌زا زیاد شده است، روح شریعت اسلامی اقتضاء می‌کند تدبیری اندیشیده شود که این گونه قوانین مشکل‌زا به حداقل رسیده یا به طور کامل اصلاح گردند؛ نه اینکه برای هر تخلفی عنوان مجرمانه و یا زندان وضع شده، سیاست کیفری اسلام حداقل مجازات بوده و اصل بر برائت است.» (ر.ک: روزنامه همشهری، شماره ۲۳۷۹، سال نهم، سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۰، ص ۱ و روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۱۷۳، سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۰، ص ۲)

۱- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، چهار جلد، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۳۸ و هوشنگ ناصرزاده، حبس و توفیق قانونی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، (شماره ششم، زمستان ۷۱)، صفحات ۷۸-۸۰.

۲- اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

عده‌ای از علمای دادرسی ضمن طرح انتقادات عدیده به صدور قرار بازداشت موقت، با این اقدام قضایی مخالفت ورزیده‌اند. مخالفان علاوه بر اعلام مغایرت این قرار با اصل برائت - که مورد تردید موافقان نیز نمی‌تواند باشد - ایرادات دیگری نیز مطرح نموده‌اند. از جمله اینکه بر اساس داده‌های آماری نسبت متهمینی که قبل از محکومیت به زندان، بازداشت موقت شده‌اند، به مراتب بیشتر از محکومینی است که این قرار درباره آنان صادر نشده است. بنابراین بازداشت موقت فرض محکومیت می‌کند.^۱ نهادهای بسیار مهم حقوق جزا از قبیل تعلیق مجازات و تعلیق مراقبتی - که در باز سازگار کردن اجتماعی مجرمین بسیار مؤثر هستند - در مقایسه با سایر متهمین به نسبت بسیار کمتری در مورد بازداشت شدگان موقت به کار گرفته شده‌اند.^۲ بازداشت موقت موجب صدمه جدی به حقوق دفاعی متهمین است. زیرا در شرایطی که دادستان و شاکی خصوصی در کمال آزادی در صدد جمع آوری دلایل علیه متهم هستند، وی در حالت بازداشت از هر گونه تحرک اصولی برای رد اتهام وارده به خود محروم است. این قرار به حیثیت فردی و اجتماعی متهم خدشه وارد می‌کند. به کار و کسب او صدمه می‌زند. چه بسا باعث پاشیدگی خانواده شخصی‌اش شود. اذهان عمومی را جهت صدور حکم محکومیت علیه متهم هر چند که واقعاً بی‌گناه باشد، آماده می‌سازد. حالت انتظار و بلا تکلیفی در زندان ایجاد تنش‌های روانی و عدم اعتدال در متهم می‌نماید.^۳

با وجود ایرادات و مضاری که بر صدور قرار بازداشت موقت مترتب است و شمه‌ای از آن در کلام مخالفان منعکس گردید، نظر به دیدگاه موافقان بازداشت مزبور ضرورت وجود آن از قدیم‌الایام تاکنون در قوانین و رویه قضایی تأیید گردیده است. موافقان بازداشت موقت می‌گویند: صدور این قرار در اثنای تحقیقات رافع احتمال

۱- مصطفی‌العوجی، حقوق‌الانسان فی الدعوی الجزائیة، الطبعة الاولى، مؤسسه نوفل، بیروت ۱۹۸۹، ص ۶۸۳ و محمّد آشوری، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۷۶، ص ۷.

۲- محمّد آشوری، همان، ص ۸.

۳- حسنعلی مؤذن زادگان، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۵۰.

فرار و مخفی شدن متهم است. باعث رفع تشویش اذهان عمومی و تسکین آلام متضرر از جرم است. از امحای آثار و دلایل جرم و تبانی متهم با شهود و مطلعین قضیه و شرکای جرم جلوگیری می‌کند. به علاوه برخی اوقات به نفع متهم است. زیرا وی را از دسترسی مجنی علیه و یا کسان و اقربای او دور نگهداشته و با مرور زمان از حس انتقام‌جویی آنان کاسته و در معرض صدمه قرار نمی‌دهد.^۱

در عین حال به نظر می‌رسد که در مورد انتقاد اساسی مخالفان به مغایرت بازداشت موقت با اصل برائت نمی‌توان هیچ‌گونه تردیدی روا داشت و لذا موافقان نیز با قابل تأمل دانستن ایرادات مخالفان، صدور این قرار را مخاطره‌آمیز دانسته و استفاده از آن را صرفاً به عنوان امری استثنایی و ضروری و توأم با احتیاط لازم و تحت شرایط و محدودیت‌های سنگینی پذیرفته‌اند.^۲

به منظور تلفیق دیدگاه مخالفان و موافقان بازداشت موقت، عنایت به توصیه‌های اعلامیه جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به خصوص نسبت به کشورهایی که بر حسب اسناد ملّی خود به آنها ملحق شده‌اند، بسیار قابل توجه است.

طبق ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در تاریخ ۱۷/۲/۵۴ به تصویب نهایی فوه مقننه ایران رسیده است:^۳

- از هیچ فردی نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات مقرر در قانون آیین دادرسی.
- هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود، باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار محاکمه هستند، نباید به عنوان قاعده تلقی شود.

۱- صالح عبدالزهره الحسون، الموسوعة القضائية، چاپ اول، انتشارات دارالرائد العربیه، بیروت ۱۹۸۸ م، صص

۵۷۸-۵۷۹ و محمد آشوری، همان، ص ۱۰. ۲- محمد آشوری، همان، ص ۱۱.

۳- به نقل از: سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، هفت مجلد، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۹۴.

- شخص بازداشت شده می‌تواند به قرار بازداشت اعتراض کند. به این منظور دادگاه باید بدون تأخیر در خصوص قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند و در صورت غیرقانونی بودن، حکم آزادی وی را صادر نماید.

- هر کس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد می‌تواند درخواست جبران خسارت نماید.

در نظام دادرسی کیفری اسلام، اصل اولیه عدم جواز بازداشت اشخاص به مجرد ورود اتهام است، مگر اینکه دلیل خاص بر بازداشت تحصیل شود.^۱

مؤلف کتاب قضاء و نظام قضایی از دیدگاه امام علی (ع) دلیلی برای عدول از اصل مزبور در فضاوت‌های الهی ایشان نیافته و معتقد است به اینکه: امام علی (ع) به عنوان حامی حقوق انسان در اسلام، به هیچ وجه راضی به توقیف احتیاطی اشخاص به صرف اتهام نبوده است.^۲

تعدادی کثیر از فقهای امامیه با توجه به روایاتی که معمولاً دلالت بر جواز بازداشت متهم در مورد اتهام قتل برای استمهال اولیای دم به منظور حاضر کردن بنیه به مدت شش روز دارد^۳، صرفاً بازداشت اشخاص را در مورد اخیر با رعایت حداکثر به مدت شش روز پذیرفته‌اند.^۴

امام خمینی «ره» در مورد اخیر نیز چنانچه به تشخیص قاضی، متهم از جمله کسانی باشد که اطمینان به عدم فرار وی باشد، بازداشت را جایز ندانسته‌اند، و در صورت

۱- نجم‌الدین طبری، موارد السجن فی النصوص و الفتاوی، الطبعة الاولى، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۴۳.

۲- محسن باقرالموسوی، القضاء و النظام القضائی عند الامام علی (ع)، الطبعة الاولى، الغدیر، بیرون ۱۹۹۹ م، ص ۱۸۶.

۳- در وسایل الشیعه از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: وپیامبر کسی را که متهم به قتل بود شش روز حبس می‌کرد. اگر اولیای مقتول دلیل خدمت آن حضرت می‌آوردند (برای رسیدگی او را ننگ می‌داشت) و گرنه او را آزاد می‌نمود. اصل حدیث: «وإن النبی (ص) کان یحبس فی نهمۃ الدّم ستة ایام، فان جاء اولیاء المقتول ببینة و الاخلی سبیله، به نقل از: شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، تصحیح محمد رازی، انتشارات کتابخانه اسلامی، تهران ۱۴۰۱ هـ.ق، ص ۱۲۱.

۴- نجم‌الدین طبری، همان، صفحات ۴۰ - ۴۲.

بازداشت در مدت شش روز و عدم معرفی بینه از سوی اولیای دم، متهم باید آزاد شود.^۱ مرحوم آیت‌اله خوئی «ره» نیز تصریح به لزوم آزادی متهم در پایان مهلت شش روز فرموده‌اند. همچنین مرحوم آیت‌اله گلپایگانی بر این عقیده هستند.^۲ بعضی از فقهاء بازداشت اشخاص را به صرف اتهام مطلقاً جایز ندانسته‌اند. از جمله مرحوم شهید ثانی در کتاب شرح لمعه^۳ و مسالک^۴ و محقق حلی در کتاب مختصر النافع^۵ به هیچ روی بازداشت اشخاص را به صرف ورود اتهام جایز نمی‌دانند. استدلال فقهای مزبور ضمن اشکال به روایات وارد در بحث، تعجیل در محکومیتی است که هنوز موجب آن به اثبات نرسیده است.

برخی از فقهای معاصر نیز علاوه بر تصریح به اصل اولیه عدم جواز بازداشت موقت اشخاص، با ذکر مباحثی مفصل پیرامون روایات مربوط، دستگیری و بازداشت را جز در مورد قتل و جرایمی که از نظر درجه اهمیت مشابه قتل هستند، خالی از اشکال نمی‌دانند.^۶

باید توجه داشت که جواز مدت شش روز بازداشت در مورد اتهام قتل فقط با یک بار درخواست اولیای دم برای استمهال معرفی بینه، خواه از نظر تعداد منفرد باشند یا متعدد، پذیرفته می‌شود. چه اینکه از روایات وارده و فتاوی فقهاء ابداً استنباط نمی‌شود که بتوان مدت شش روز را تمدید و یا به تعداد اولیاء دم متعدد، برای درخواست هر یک شش روز متهم را بازداشت کرد.

در خاتمه طرح این مطلب می‌توان به ضرس قاطع بیان داشت که از دیدگاه علمای

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، دو جلد، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲- سید ابوالقاسم خوئی، مبانی تکرمة المنهاج، مطبعة الاداب، قم ۱۳۹۶ هـ، الجزء الثانی، ص ۱۲۳ و سید محمّد رضا گلپایگانی، به نقل از: نجم‌الدین طبری، همان، ص ۴۳.

۳- شهید ثانی، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، ده مجلد، دارالعالم الاسلامی، بیروت بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۶.

۴- به نقل از: نجم‌الدین طبری، همان، صص ۴۱-۴۲.

۵- محقق حلی، المختصر النافع فی فقه الامامیه، کتاب فروشی مصطفوی، قم بی‌تا، ص ۲۹۸.

۶- حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه (مبانی فقهی حکومت اسلامی)، ترجمه و تفسیر

محمود صلواتی، سه مجلد، چاپ اول، چاپخانه نمونه، قم ۱۳۷۰، ج ۳، صفحات ۵۸۲-۵۸۶.

دادرسی کیفری و فقهای امامیه و توصیه‌های اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، بازداشت موقت متهمین مخاطره‌آمیز است. اصل بر آزادی و برائت اشخاص ایجاب می‌کند که صدور این قرار در قوانین داخلی تابع ضرورت و تحت شرایط و محدودیت‌هایی باشد که قضات را وادار به رعایت احتیاط و حزم نموده و از صدور قرارهای بازداشت موقت بی‌رویه جلوگیری کند.

با این همه، همان‌گونه که در مباحث آتی ملاحظه خواهیم کرد، مواد ۳۲-۳۸ قانون دادرسی کیفری مصوب ۷۸، ضمن اینکه به نحو ابهام‌آمیزی در بسیاری موارد قضات را مکلف به صدور قرار بازداشت نموده است، اختیارات وسیعی نیز به ایشان در این زمینه اعطاء کرده است. از مفاد مقررات مزبور معلوم می‌شود که اصل اولیه عدم جواز بازداشت موقت و اصول دیگر دادرسی کیفری در این خصوص و ملخص کلام اینکه مخاطره‌آمیز بودن این قرار مورد عنایت مقنن قرار نگرفته است.

ب- ضرورت موجه، مستدل و مستند بودن قرار بازداشت

علی‌الاصول قرارهای تأمین کیفری که در اثنای مراحل دادرسی به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و حفظ آثار و ادله جرم و بالاخره تحقق اجرای عدالت کیفری صادر می‌شود، باید مدلل، مستند و همراه با ملحوظ داشتن حقوق دفاعی متهم باشد.^۱ به همین جهت ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی، با ارائه ضوابط صدور قرار تأمین و تعیین ضمانت اجرای انتظامی به منظور رعایت ضوابط مزبور مقرر می‌داشت: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای آثار جرم همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. تبصره- هرگاه بازپرسی تأمین نامتناسب اخذ کند موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا خواهد بود.» در جهت اعمال تبصره ماده فوق‌الذکر، در یک پرونده انتظامی، رأی شماره ۹۷

۱- برای اطلاع بیشتر در خصوص قرارهای تأمین در کتب به: آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدودکننده آزادی)،

مورخ ۱۳۶۱/۷/۳۰ دادگاه انتظامی قضات حاکی از آن است که^۱: «آقای بازپرس به لحاظ صدور قرار وثیقه به مبلغ پانصد هزار ریال در خصوص اتهام سه نفر به شرکت در قتل عمدی و نیز صدور قرار وثیقه به مبلغ دو میلیون ریال در مورد اتهام بستگان و طرفداران مقتول همان پرونده به اتهام ورود به عتف به منزل و تخریب، متخلف نیست. زیرا نظر به اینکه شدت و ضعف تأمین مأخوذه با شدت وضعیته دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار یا امحای آثار و علایم جرم بستگی داشته و بازپرس با توجه به جهات مزبوره باید متناسب با حیثیت فردی و سن متهم و چگونگی مزاج او اخذ تأمین کند، نمی‌توان او را در گرفتن تأمین طبق تشخیص خود از اوضاع و احوال، متخلف تلقی کرد.»

همچنانکه ملاحظه می‌شود، ظاهراً به موجب کیفرخواست دادسرای انتظامی قضات، بازپرس در قرار تأمین مزبور از حیث تناسب با اهمیت جرم، تناسب را رعایت ننموده است، اما دادگاه انتظامی به لحاظ حیثیت فردی و چگونگی مزاج متهمین یعنی در نظر داشتن حقوق دفاعی متهمین که در تصمیم آقای بازپرس می‌توانسته مداخلت داشته باشد، وی را مبرای از تعقیب انتظامی دانسته است.

قانونگذار در ماده ۱۳۳ قانون اخیرالتصویب مفاد ماده ۱۳۰ قانون سابق را عیناً تکرار نموده است، لیکن از افزودن تبصره قانون مزبور در خصوص تأکید به ضرورت تعقیب انتظامی قضات متخلف و تعیین مجازات انتظامی به لحاظ صدور قرار تأمین نامناسب خودداری کرده است. و این مطلب قابلی انتقاد به نظر می‌رسد. زیرا تصریح به ضمانت اجرای انتظامی می‌تواند از صدور قرارهای تأمین نامتناسب در نقض حقوق دفاعی متهمین و مصالح اجتماعی و منافع شاکی خصوص مانع مناسبی تلقی گردد.

در ماده ۳۷ قانون اخیرالتصویب- که یکی از نوآوریهای آن محسوب می‌شود- مقنن علاوه بر لزوم رعایت ضوابط عام تناسب تأمین با اهمیت جرم ارتكایی، دلایل موجود در پرونده، احتمال و بیم فرار یا مخفی شدن متهم، سوابق، سن، شخصیت و

چگونگی مزاج او، به لحاظ مخاطره آمیز بودن قرار بازداشت، به نحو خاص اشعار می‌دارد: «کلیه قرارهای بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده و مستند قانونی و دلایل آن ... در متن قرار ذکر شود ...»

با توجه به مفاد ماده مزبور، در کلیه موارد قرارهای بازداشت موقت اعم از اجباری و اختیاری که در مباحث آتی ملاحظه خواهیم کرد، قاضی باید قبل از صدور قرار، با توجه به دلایل و قرائن موجود در پرونده، عنصر مادی جرم را به رفتار متهم منتسب دانسته و ضمن احراز مسئولیت کیفری^۱ و سوءنیت وی، مستند قانونی و تبیین ادله و چگونگی انتساب عنصر مادی جرم را به متهم در قرار صادره ذکر نماید. در نظام دادرسی آلمان و فرانسه نیز بازداشت متهم باید موجه و مستدل باشد و در حین قرار و یا در یک قرار مجزی بیان گردد.^۲

فلسفه پیش‌بینی این مقررات کنترل قضایی احراز صحت شرایط قانونی صدور قرار بازداشت موقت در مراجع قضایی تأییدکننده و تجدید نظر قرار می‌باشد. اگر چه همانگونه که اشارت رفت، قانونگذار تبصره ذیل ماده ۱۳۰ قانون سابق را به عنوان تصریح ضمانت اجرای انتظامی عدول از مواد ۱۳۳ و ۳۷ قانون ذکر نکرده است، لیکن این امر مانع از آن نیست که در صورت عدم رعایت مواد مزبور حتی با فرض عدم احراز سوءنیت، قاضی متخلف تحت تعقیب انتظامی قرار گیرد.^۳

۱- برخی از مؤلفین آیین دادرسی ضمن تصریح به لزوم احراز مسئولیت کیفری متهم، صدور قرار بازداشت موقت را نسبت به اطفال غیرموجه دانسته‌اند. یادآوری می‌شود که نحوه رسیدگی به جرایم اطفال تابع رژیم مخصوص است. و حسب مقررات آیین دادرسی کیفری جدید (تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۴۴) تحت شرایط خاص مقرر نگهداری موقت اطفال بزهکار در کانون اصلاح و تربیت امکان‌پذیر است. (هرکاه به: احسان اله پیرداده بیرانونده، شرح و نقد قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، چاپ اول، انتشارات خورشید، تهران ۱۳۷۸، ص ۶۶)

۲- ژان پرادل- مرحله مقدماتی دادرسی کیفری در حقوق تطبیقی، ترجمه حسی بن یقضان، نشریه فصلنامه حق دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دفتر پنجم، فروردین- خرداد ۱۳۶۵، ص ۲۰۳.

۳- منوچهر خزانی، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۷، ص ۵۸.

ج- مقام صالح صدور قرار

اصولاً در نظامهای دادرسی کیفری کشورهای مختلف قرار بازداشت موقت در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط یک قاضی مستقل به نام بازپرس در حقوق فرانسه^۱، قاضی تحقیق در حقوق ایتالیا^۲، مصر^۳ و لبنان^۴ و قاضی دادگاه بخش در حقوق انگلیس^۵ صادر می‌شود.

در نظام دادرسی کیفری سابق ایران قبل از تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، بازپرس در امور جنایی و یا مهم و دادیار تحقیق در امور جنحه و یا غیرمهم که اجرای مرحله تحقیقات مقدماتی به عهده ایشان بود، مبادرت به صدور قرار بازداشت موقت می‌نمودند.^۶

با تصویب قانون مزبور که دادرسی عمومی را منحل ساخت، امر تحقیقات مقدماتی از جمله صدور قرار بازداشت موقت به عهده قاضی دادگاه واگذار شد.^۷

به موجب ماده ۳۳ قانون اخیرالتصویب، وضعیت مزبور تثبیت گردیده و مرجع صالح صدور قرار، قاضی دادگاه عمومی است. همچنین قاضی تحقیق که اصولاً فاقد استقلال قضایی بوده و تحت نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه می‌کند^۸، مطابق ماده ۳۴ قانون می‌تواند مبادرت به صدور قرار تأمین و یا تبدیل آن از جمله قرار بازداشت نماید. نهایت اینکه در مورد قرار بازداشت و یا قرار تأمینی که منتهی به بازداشت متهم شود، باید حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد قاضی دادگاه ارسال

۱- ژان لارگیه، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۴۱.

2. G.L.Cercoma, The Italian legal system, (London, 1985), P.232.

۳- جنیدی عبدالملک، الموسوعة الجنائية، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۷۶ م، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴- عاطف النقیب، اصول المحاکمات الجزائیة، چاپ اول، انتشارات عویدات، بیروت ۱۹۸۶ م، ص ۳۸۲.

5. A.K.R.Kiralfy, The English legal system, (London, 1990), P.149.

۶- مواد ۴۰ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی.

۷- ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳.

۸- مواد ۲۸ و ۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸

کند. علاوه بر مقامات مزبور رئیس حوزه قضایی نیز وفق تبصره ماده ۳۳ می‌تواند مبادرت به صدور قرار بازداشت نماید.

همان طور که در محل خود مفصلاً بحث شده است، ادغام مرحله تحقیقات مقدماتی در مرحله دادرسی یکی از نقایص جدی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و نیز قانون فعلی آیین دادرسی بوده و بر خلاف مصالح اجتماعی و موجب تضییع حقوق دفاعی متهمین است.^۱ از جمله اینکه وقتی حاکم دادگاه تحقیقات مقدماتی را از بدو تا ختم قضیه در اختیار داشته و یا تحت نظر قرار دهد، چنانچه ذهنیت ناصوابی از وضعیت پرونده و شخصیت متهم داشته باشد، چه بسا این ذهنیت را تا صدور حکم علیه وی تسری داده و احیاناً از مسیر بی طرفی که لازمه یک قضاوت منصفانه است، خارج شود. بدین ترتیب هرگاه قاضی دادگاه در مرحله تحقیقات قرار بازداشت متهم را صادر کند، به ظن قوی مبادرت به محکومیت او خواهد کرد. و مرحله دادرسی لغو و بی اثر خواهد بود. زیرا برای حاکم دادگاه بسیار ناگوار خواهد بود که چنانچه مبادرت به بازداشت موقت متهمی نماید، با رسیدگی در مرحله دادرسی حکم براءت او را صادر کند.^۲

وانگهی وضع تبصره ماده ۳۳ نیز که رئیس حوزه قضایی را از مقامات صالح برای صدور قرار بازداشت موقت دانسته ابهام دارد. زیرا چنانچه رئیس حوزه قضایی در مقام رسیدگی به پرونده به عنوان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی مبادرت به صدور قرار بازداشت نماید، طبق صراحت ماده ۳۳ اقدام کرده و نیازی به انشای تبصره نبوده است. و اگر در غیر از مقام رسیدگی در شعبه اول دادگاه قرار بازداشت صادر کند، این امر

۱- حسنعلی مؤذن زادگان، همان، صص ۴۰۶-۴۰۷.

۲- نظر به انتقادهای مکرر حقوقدانان به قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به لحاظ حذف دادسرا و ادغام مرحله تحقیقات مقدماتی با دادرسی و آشکار شدن نقایص قانون در اجرا، اخیراً فوه قضائیه لایحه‌ای تحت عنوان «قانون اصلاح پاره‌ای از مواد تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» به منظور احیای مجدد دادسرا و رفع نواقص مزبور تقدیم مجلس نموده که اکنون تحت بررسی است.

هیچ‌گونه توجیه منطقی و عقلایی ندارد و بر خلاف اصول دادرسی کیفری است.^۱ بنابراین رفع ابهام از تبصره مزبور ضرورت دارد.

د- محدودیتهای اعمال بازداشت

با توجه به مغایرت بازداشت موقت با اصل برائت، در نظامهای دادرسی کیفری کشورها به منظور جلوگیری از عواقب سوء و صدور بی رویه و اطمینان از صحت قرار بازداشت، تمهیداتی مقرر شده است. عمده این تمهیدات به شرح ذیل است:

۱- ضرورت تأیید تصمیم مقام قضایی: پس از صدور قرار بازداشت توسط مقام صالح قضایی، ظرف مدت معینی قرار صادره باید به تأیید مقام قضایی دیگر برسد. مدت مزبور در حقوق بلژیک ۵ روز، در حقوق هلند ۱۲ روز و در مصر چهار روز می‌باشد.^۲

طبق مفاد ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی، بازپرس مکلف بود که چنانچه رأساً مبادرت به صدور قرار بازداشت موقت نماید، ظرف مدت ۲۴ ساعت مفاد قرار صادره خود را کتباً برای دادستان بفرستد.

هرگاه دادستان با توقیف موافق نبود و همچنین در موردی که دادستان تقاضای توقیف کرده و بازپرس با آن موافقت نمی‌کرد، حل اختلاف در محکمه بدایت محل به عمل می‌آمد و متهم برحسب مورد به دستور بازپرس یا دادستان تا صدور رأی محکمه در توقیف می‌ماند. پس از الغای دادگاههای شهرستان و سپس دادگاههای عمومی جزایی در نظام دادرسی کیفری سابق و تأسیس دادگاههای کیفری ۱ و ۲ به موجب قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۶۱ و با ابقاء این دادگاهها در قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب سال ۶۸، شیوه مزبور در نظام دادرسی ایران ادامه پیدا کرد و حل اختلاف بین بازپرس و دادستان

۱- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، چهار مجلد، چاپ اول، انتشارات اشراق، قم ۱۳۷۹، ج ۴،

۲- ژان پرادل، همان مجلد، ص ۲۰۳.

برحسب مورد به عهده دادگاههای کیفری ۲ قرار گرفت. و این وضعیت تا تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۲ ادامه داشت. با تصویب قانون مذکور و الغای نظام داسرا و دادگاههای کیفری ۱ و ۲ موضوع ضرورت تأیید قرار بازداشت موقت به وسیله مقام قضایی دیگر و حل اختلاف توسط محکمه‌ای دیگر در صورت اختلاف بین دو مقام مورد بحث و همچنین موضوع وجود یا عدم وجود حق اعتراض به بازداشت موقت برای متهم در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. زیرا متعاقب تصویب قانون مزبور نه تنها موضوع تأیید قرار بازداشت موقت توسط مقام قضایی دیگر متفی شد، بلکه اساساً موضوع اعتراض به قرار بازداشت و قابل تجدیدنظر بودن آن هم مورد بحث و مناقشه قرار گرفت.^۱

ماده ۳۳ قانون دادرسی کیفری اخیرالتصویب به ابهام مورد بحث خاتمه داده و مصرح است به اینکه: «قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسد...»

به موجب مفاد ماده ۳۴ همان قانون، در صورتی که قاضی تحقیق قرار بازداشت صادر کند، مکلف است که حداکثر ظرف مدت (۲۴) ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد قاضی دادگاه ارسال کند، در صورت موافقت دادگاه با قرار بازداشت موقت طبق ماده ۳۳ اقدام می‌شود.

در بررسی مقررات مزبور نکات ذیل قابل بحث است:

۱- آیا رئیس حوزه قضایی یا معاون او صرفاً به نحو تشریفاتی یا صوری به تأیید قرار می‌پردازد و به عبارت دیگر باید قرار صادره را تأیید کند و یا حق مخالفت دارد؟ در فرض اخیر، قاضی دادگاه باید از نظر ایشان تبعیت کند یا مرجع ثالث به حل اختلاف می‌پردازد؟

برخلاف مقررات آیین دادرسی کیفری سابق که در این خصوص موضوع به روشنی طرح شده بود، قانون فعلی پاسخ قطعی و شفافی ندارد. به منظور تعیین تکلیف مراجع

۱- حبیب محمد علی زاده اشکلکن، قطعیت یا عدم قطعیت قرار بازداشت موقت، نشریه داخلی کانون وکلای دادگستری مرکز، سال پنجم، شماره ۱۹، دی ماه ۱۳۷۵، صفحات ۵۲-۵۷.

قضایی از نظر ثوری سه نظریه در پاسخ سئوال فوق الذکر مطرح شده است: نظریه اول- اصولاً در تشکیلات قضایی فعلی، کلیه اختیاراتی که در قوانین برای دادستان عمومی مقرر بوده است، به رئیس حوزه قضایی محول گردیده است.^۱

به همین دلیل متنن رئیس حوزه قضایی یا معاون او را که در حکم دادستان عمومی است، برای تأیید قرار بازداشت صالح دانسته است. در صورتی که رئیس حوزه قضایی با نظر قاضی دادگاه به جانشینی بازپرس سابق در مرحله تحقیقات مقدماتی، مخالف باشد، همانند مفاد ماده ۳۸ قانون دادرسی سابق، اختلاف محقق گردیده و حل اختلاف به وسیله دادگاه تجدیدنظر استان- که مرجع رسیدگی به اعتراض متهم به قرار بازداشت است- به عمل می آید.

نظریه دوم- با توجه به صراحت ماده ۳۳، شرط لازم برای قانونی بودن قرار بازداشت، تأیید رئیس حوزه قضایی یا معاون او است. قاضی دادگاه مکلف به تبعیت از نظر رئیس حوزه قضایی است. اگر چه این استنباط به استقلال قضایی دادگاه نطمه وارد می کند، اما با توجه به سکوت قانونگذار در خصوص پیش بینی فرض تحقق اختلاف بین مقامات مزبور و تعیین مرجع حل اختلاف، تفسیری است به نفع متهم که می تواند راه حل قضیه باشد.^۲

نظریه سوم- تأیید قرار بازداشت توسط رئیس حوزه قضایی جنبه صوری و تشریفاتی دارد. ارسال قرار بازداشت برای رئیس حوزه قضایی از این روست که استحضار از وضعیت بازداشت شدگان داشته باشد و بتواند بر وضعیت زندانیان حوزه قضایی تحت اشراف خود نظارت کافی داشته باشد.^۳

از نظر تحلیل حقوقی و منطقی، اشکالاتی که به نظریه دوم وارد است، اینکه:

۱- محمود آخوندی، جزوه آیین دادرسی کیفری، ویژه کارآموزان قضایی، گردآورنده (مراد صدیق گو)، صص ۵۳ و ۵۴ و عباس زراعت و علی مهاجری، شرح قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، چاپ اول، نشر فیض، قم ۱۳۷۸، صص ۱۳۲-۱۳۴.

۲- محمود آخوندی، جزوه آیین دادرسی کیفری، ص ۵۳.

۳- عباس زراعت و علی مهاجری، همان، صص ۱۳۶-۱۳۷.

اولاً- موجب نفی استقلال قضایی قضات دادگاههاست. چگونه می‌توان احکام قضایی دادگاه را در مورد جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا سه ماه حبس است، قطعی دانست.^۱ در حالی که وی را در خصوص بازداشت موقت یکماهه فاقد صلاحیت به شمار آورده و تابع رئیس حوزه قضایی قلمداد نمود؟

ثانیاً- فلسفه ضرورت تأیید قرار بازداشت موقت به وسیله مقام قضایی دیگر اطمینان از صحت صدور قرار از طریق اعمال نظر قضایی و مستقل دو نفر قضایی است و اگر مقام قضایی صالح صدور قرار را به تبعیت از مقام قضایی تأییدکننده مکلف سازیم، از وصول به هدف مزبور فاصله گرفته ایم.

ثالثاً- محور پذیرش این نظریه از سوی طرفداران آن، تضمین نفع متهم است. و حال آنکه- چنانکه توضیح داده شد- گاهی نفع متهم، بازداشت و دور نگهداشتن او به لحاظ احتمال خشم و تعرض مجنی علیه و یا کسان وی می‌باشد.

نظریه سوم نیز مصون از ایراد نیست. زیرا در صورتی که تأیید رئیس حوزه قضایی جنبه صوری یا شکلی داشته باشد، چه نیازی به تأیید او خواهد بود و انگهی وی می‌تواند از طرق مقتضی دیگری هم که نیاز به بلا تکلیف گذاشتن متهم تا اخذ تأیید او نباشد، از وضعیت زندان و زندانیان اطلاع پیدا کند. به علاوه اینکه با اعمال این نظریه فلسفه تأیید مقام قضایی دیگر برای اطمینان از صحت صدور قرار مخدوش خواهد شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که نظریه اول به لحاظ مصون بودن از ایرادات مزبور و سابقه قضایی موضوع در آیین دادرسی کیفری سابق در کارآمدی آن، اصح می‌باشد.

۱-۲- به موجب تبصره ماده ۳۳: «در صورتی که قرار بازداشت توسط رئیس حوزه قضایی صادر شود و یا محل، فاقد رئیس حوزه قضایی و معاون باشد با اعتراض متهم پرونده به دادگاه تجدید نظر ارسال خواهد شد.» این تبصره به روشنی ناقض راهکار دادرسی فلسفه ضرورت تأیید تصمیم به بازداشت توسط مقام قضایی دیگر برای اطمینان از صحت صدور قرار می‌باشد. زیرا طبق مفاد تبصره گاهی به اظهار نظر دو مقام قضایی-

به ترتیبی که گفته شد- برای صدور قرار بازداشت نیازی نیست.^۱

۱-۳- طبق طبق مفاد ماده ۳۴، هرگاه قاضی تحقیق مبادرت به صدور قرار بازداشت متهم نماید، مکلف است که حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده را جهت اظهار نظر در این خصوص برای قاضی دادگاه ارسال نماید؛ اما قانونگذار در مورد تعیین مدت ارسال پرونده نزد رئیس حوزه قضایی از سوی قاضی دادگاه سکوت اختیار کرده است. به نظر می‌رسد که در مورد اخیر نیز قانونگذار باید مدت مشخصی تعیین کند و تا رفع نقص قانون در این زمینه، قاضی دادگاه با وحدت ملاک ماده ۳۴، باید حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده را برای تأیید نزد رئیس حوزه قضایی ارسال نماید. چنانکه در ابتدای طرح این بحث بیان شد، در حقوق کشورهای بلژیک، هلند و مصر مدت مزبور منجزاً مشخص گردیده است. بدیهی است تصویب این گونه مقررات به منظور تعیین تکلیف هر چه سریعتر شخص بازداشت شده کاملاً ضروری است.

۱-۴- در حالی که قانون آیین دادرسی کیفری پیشین به صراحت مقرر نموده بود که تا تعیین تکلیف اظهار نظر دادستان راجع به قرار بازداشت موقت صادره توسط بازپرس و نیز حل اختلاف ایشان و رسیدگی به اعتراض متهم در دادگاه جنحه، متهم باید در بازداشت بماند^۲، قانون فعلی در خصوص ضرورت بازداشت یا عدم بازداشت متهم تا هنگام اظهار نظر و تأیید قاضی دادگاه وقتی که قاضی تحقیق قرار بازداشت صادر نموده و تأیید رئیس حوزه قضایی در این مورد و زمانی که قاضی دادگاه رأساً قرار بازداشت صادر کرده و همچنین رسیدگی به حل اختلاف دو مقام مزبور- در صورتی که تحقق یابد- و اعتراض متهم در دادگاه تجدیدنظر، بیان روشنی ندارد.

۱- به نظر می‌رسد که علت پیش‌بینی تبصره مورد بحث، نتیجه ادغام وظیفه انجام مرحله تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی برخلاف اصول دادرسی کیفری در رئیس حوزه قضایی باشد. این وضعیت که نتیجه تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ بوده است، با توجه به اشکالات عده‌ای که در برداشته است، مقرر گردیده است با تصویب لایحه تقدیمی اصلاح موادی از قانون مزبور به مجلس شورای اسلامی خاتمه یابد. در اصلاحیه قانون مزبور مرحله تعقیب از تحقیقات مقدماتی و دادرسی مانند قانون دادرسی کیفری پیشین با احیاء مجدد دادرسی در تشکیلات قضایی، تفکیک گردیده است.

۲- ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیشین.

از مفاد ماده ۳۳ استنباط می‌شود که متهم باید تا قطعیت قرار بازداشت و یا فسخ آن در دادگاه تجدیدنظر در توقیف باشد. زیرا ماده مزبور پس از پیش‌بینی ضرورت صدور قرار توسط قاضی دادگاه و تأیید آن به وسیله رئیس حوزه قضایی و یا معاون او و قابل تجدیدنظر بودن آن ظرف ده روز در دادگاه تجدیدنظر خارج از نوبت مقرر می‌دارد: «... در هر صورت ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند به ترتیب یاد شده اقدام خواهد نمود.» اطلاق عبارت «در هر صورت» و «ادامه بازداشت» مفید این معنی است که پس از صدور قرار متهم باید در توقیف بماند و در نهایت در ظرف زمانی یکماه خواه قرار مزبور در مرجع تجدیدنظر تأیید و یا فسخ شود، تکلیف وی برای ادامه بازداشت و یا عدم آن تعیین گردد.

۲- حق اعتراض متهم: از جمله حقوق متهم در اثنای سیر تحقیقات دادرسی کیفری حق اعتراض به بازداشت موقت است. حق مزبور نیز نوعاً در نظامهای دادرسی کیفری کشورهای مختلف از قبیل نظام دادرسی فرانسه، مصر، ایتالیا و انگلیس برای متهم پیش‌بینی شده است.^۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق اعتراض به بازداشت موقت را مقرر نموده است.^۲ قانون آیین دادرسی کیفری پیشین ایران به تبعیت از اصول آیین دادرسی به پیش‌بینی حق اعتراض متهم به بازداشت موقت صراحت داشت. همان‌گونه که گفته شد با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب سال ۷۳، موضوع حق اعتراض متهم به بازداشت موقت در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. اگرچه برخی از حقوقدانان همچنان به قابل اعتراض بودن قرار بازداشت و حمایت از حق متهم اعتقاد داشتند؛ اما اداره حقوقی دادگستری به عنوان مرجع پاسخ به سئوالات حقوقی قضات در نظریه شماره ۷/۵۵۷۳ مورخ ۱۶/۹/۷۳، قرار بازداشت موقت را غیرقابل اعتراض اعلام نمود.^۳

ماده ۳۳ قانون اخیرالتصویب به مباحث نظری مزبور خاتمه داده و در راستای

۲- به نقل از سید جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۱۹۴.

۱- ژان برادل، همان، ص ۲۰۴.

۳- به نقل از: حبیب محمدعلی زاده اشکلک، همان، ص ۵۳.

هماهنگ شدن با مقررات بین‌المللی، حق اعتراض متهم به بازداشت موقت را ظرف ده روز شناسایی و قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان اعلام کرده است. در عین حال قانون جدید مبداء تاریخ ابلاغ و شمول مرور زمان ده روز حق اعتراض را مشخص ننموده است.^۱

به نظر می‌رسد که با توجه به صراحت ماده ۳۷ قانون که تصریح به حق اعتراض متهم را در متن قرار صادره از سوی مقام صالح صدور قرار الزامی دانسته است، و این امر مستلزم تفهیم حق مزبور به متهم می‌باشد، شمول مرور زمان ده روز از تاریخ صدور قرار و تفهیم حق اعتراض جریان پیدا کند.

۳- محدودیت مدت بازداشت: ساز و کار تحدید مدت بازداشت موقت که در نظامهای دادرسی کیفری مقرر شده است،^۲ از یکسو به لحاظ تعیین تکلیف هر چه سریعتر فردی است که با نقض اصل برائت در بازداشت به سر می‌برد و از سوی دیگر برای جلوگیری از اطاله دادرسی و ترغیب مقامات قضایی در فیصله دادن به دعوای کیفری است. در پایان مدت آمرانه بازداشت موقت، قاضی مکلف است که در مورد وضع قرار تجدیدنظر کند و چنانچه برای اجرای عدالت، ضرورتی به ادامه بازداشت متهم وجود داشته باشد، در چارچوب ضوابط تعیین شده اتخاذ تصمیم نماید. تمدید مدت قرار بازداشت ناظر به دو مورد تفکیک شده در دوره اجرای قرار است. در وهله اول مدت بازداشت باید به نحو آمرانه در یک زمان معین باشد. فرض بر این است که قاضی می‌تواند در پایان مدت مزبور موجبات صدور قرار را مرتفع و متهم را با قرار متناسب دیگری تا پایان تحقیقات و دادرسی در اختیار خود قرار دهد.

در صورتی که قاضی به دلایل مستند ادامه بازداشت را ضروری تشخیص دهد، می‌تواند به طور موجه و مدلل مبادرت به تمدید آن نماید. در وهله دوم تمدید قرار نیز

۱- ماده ۲۸ قانون دادرسی کیفری پیشین به صراحت مبداء مرور زمان ده روز حق اعتراض متهم را از روز ابلاغ یا اعلام قرار مستنطق یا دستور مدعی العموم راجع به توقیف پیش‌بینی کرده بود.

۲- گاستون استفانی و دیگران، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، دو جلد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۷۷، ج ۲، صفحات ۸۵۰-۸۵۳ و ژان پرادل، همان، ص ۲۰۴.

باید مستلزم در نظر گرفتن مدّت مجاز نهایی بازداشت باشد. قاضی نمی‌تواند با وجود تمدیدهای مکرر از مدّت بازداشت نهایی تجاوز کند.

طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب سال ۱۳۹۰ هـ.ش با اصلاحات بعدی، بازپرس مکلف بود که هرگاه در امر جنایی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در توقیف مانده و پرونده اتهامی او منتهی به صدور کیفرخواست نشده بود، قرار بازداشت را فک یا آن را تخفیف داده و قرار سبکتری صادر نماید، مگر اینکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار تأمین وجود می‌داشت که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار بازداشت ابقاء می‌گردید و متهم حقّ داشت از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه جنحه شکایت کند.

با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب سال ۶۱ و تغییر تقسیم مجازاتها از جنایت، جنحه و خلاف به حدود، تعزیرات، قصاص و دیات، موضوع اعتبار یا عدم اعتبار مقرّرات تبصره فوق‌الذکر مورد بحث و بررسی حقوقدانان قرار گرفت. برخی با تغییر مجازاتها، اعمال مقرّرات تبصره مذکور را متضی دانسته و در نتیجه مدّت معینی را برای بازداشت موقت قائل نشدند.^۱ و عده‌ای دیگر تقسیم‌بندی جدید مجازاتها را در قانون اخیرالذکر نافی تقسیم‌بندی مجازاتها در سابق به جنایت، جنحه و خلاف ندانسته و برای تبصره مورد بحث اعتبار حقوقی قائل بودند.^۲

قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب به این بحثهای نظری خاتمه داده و مطابق ماده ۳۳، مدّت بازداشت موقت را به نحو آمرانه یکماه تعیین نموده است. هر چند تعیین مدت ۳۰ روز آمرانه بازداشت موقت برای کلیه جرایم اعم از مستلزم مجازاتهای قصاص، حدود، تعزیرات و بازدارنده با صرف نظر از شدت و ضعف مجازات نسبت به قانون دادرسی پیشین که مدّت بازداشت را در امور جنحه ۶۰ روز و امور جنایی ۱۲۰ روز معین کرده بود، یکی از محاسن قانون جدید محسوب می‌شود، لیکن به نظر می‌رسد

۲- حسنعلی مؤذن زادگان، همان، ص ۲۵۶.

۱- منوچهر خزائی، همان، صص ۵۴-۵۵.

که اگر مقنن در این مورد مجازاتها را تفکیک نموده و برای مجازاتهای سبک، مدت کمتری مقرر دارد، اولی خواهد بود.

بر اساس ذیل ماده ۳۷: (... قاضی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک ماه در صورت ضرورت با ذکر دلایل و مستندات، قرار بازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت با قرار تأمین مناسب متهم را آزاد کند). وفق مفاد ماده ۳۳ در صورتی که قاضی ادامه بازداشت را با رعایت موازین یاد شده ضروری بداند باید ضمن تجدید نظر قرار بازداشت موقت مراتب را به تأیید رئیس حوزه قضایی یا معاون او برساند و متهم نیز می تواند ظرف ده روز از زمان تصمیم قاضی نزد دادگاه تجدید نظر استان شکایت برد و تقاضای تجدید نظرخواهی کند. در صورتی که دادگاه تجدید نظر اعتراض متهم را وارد تشخیص دهد، قرار بازداشت موقت را فسخ و پرونده را به منظور اخذ تأمین مناسب دیگر به دادگاه صادر کنند قرار، اعاده خواهد داد.

همان طور که گفته شد در اصول آیین دادرسی کیفری مقرر است که برای بازداشت موقت مدت مجاز نهایی در نظر گرفته شود تا قاضی با تمدید مکرر قرار بازداشت موقت متهم را مدتها بالاترکلیف در اوضاع مخاطره آمیز بازداشت باقی نگذارد و نظام قضایی با وضعیتی مواجه نشود که مدت بازداشت موقت از مجازات سالب آزادی با محکومیت قطعی تجاوز کند.

در قانون دادرسی پیشین برای جلوگیری از بروز وضعیت مزبور راهکاری مشخص نشده بود. قانون جدید به این امر عنایت نموده است، لیکن تعیین مدت مجاز نهایی را صرفاً در بخشی از بازداشت های موقت که تحت عنوان موارد بازداشت اجباری پیش بینی کرده است، مقرر داشته است.

مفاد صدور ماده ۳۵ قانون جدید بیانگر آن است که در موارد صدور بازداشت موقت الزامی، بازداشت متهم تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط به اینکه مدت آن از حداقل مجازات مقرر جرم ارتكابی تجاوز ننماید.

اگرچه راهکار فوق الذکر در قوانین دادرسی ایران در تمدید مدت بازداشت موقت به طور نهایی بدیع به نظر می رسد، اما دارای اشکالاتی به شرح ذیل است:

- مقنن در مورد تعیین مدت نهایی در بازداشت‌های موقت اختیاری ساکت است. اگرچه با تفسیر قانون به نفع متهم و اخذ وحدت ملاک با بازداشت موقت اجباری و مخاطره‌آمیز بودن بازداشت، می‌توان در مورد بازداشت موقت اختیاری نیز مقرر مزبور را تسری داد، لیکن سزاوار است که قانونگذار به طور شفاف در کلیه موارد بازداشت مدّت نهایی را دقیقاً مشخص نماید.

- مجازاتهای بدنی و جزای نقدی در قوانین جزایی ایران فراوان به چشم می‌خورد. تمدید مدّت نهایی بازداشت در مجازاتهای مزبور مشخص نشده است.^۱
- در آن دسته از مجازاتهایی که دارای حبس هستند، ولی حداقل مشخص نشده است، تعیین مدّت نهایی بازداشت فاقد کاربرد خواهد بود.^۲

در حقوق فرانسه در امور جنحه مدّت بازداشت موقت نباید از چهار ماه تجاوز کند. مدّت مزبور در خصوص متهمینی که سابقه کیفری جنایی یا جنحه عمومی دارای مجازات جنایی و یا حبس تأدیبی بدون تعلیق بیش از یکسال نداشته و در معرض مجازات حبس تأدیبی بیشتر از ۵ سال نباشند، فقط یک بار آنهم به مدّت دو ماه قابل تمدید خواهد بود. بنابراین حداکثر مدّت بازداشت موقت در مورد متهمین مزبور شش ماه است. چنانچه متهمی دارای سوابق یا شرایط فوق‌الذکر باشد، بازداشت موقت وی هر چهار ماه یک بار حداکثر به مدّت یکسال جز در موارد استثنایی قابل تمدید است. مطابق قانون ۶ ژوئیه ۱۹۸۹ در صورتی که مجازات مورد پیش‌بینی از ۵ سال حبس تأدیبی تجاوز نکند، حداکثر مدت بازداشت موقت در امور جنحه‌ای دو سال خواهد بود.^۳

۱- قواعد و سابقه موضوع: تحت تأثیر و توصیه‌های مؤکد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوّب ۱۹۶۶ و مجموعه اصول حمایت از اشخاصی که به هر شکل

۱- ر.ک. به کتاب اول تا پنجم قانون مجازات اسلامی.

۲- ر.ک. به مواد قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۶۶۰ همان قانون.

۳- گاستون استفانی و دیگران، همان، صفحات ۸۵۱-۸۵۳.

بازداشت و یا در محکومیت به حبس به سر می‌برند مصوب ۱۹۸۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ در دهه‌های اخیر قوانین دادرسی کیفری کشورها در زمینه بازداشت موقت تحولات قابل توجهی داشته است.

تحولات اخیر حاکی از آن است که بازداشت متهم به عنوان یک قاعده کلی و یا اصل، در اثنای تحقیقات و دادرسی، تلقی نمی‌گردد. این قرار وقتی صادر می‌شود که جرم ارتكابی مورد اتهام واجد درجه خطرناک شدیدی باشد و در جرایم کم اهمیت صدور قرار بازداشت فاقد مجوز است. استفاده از قرار بازداشت موقت زمانی امکان‌پذیر است که سایر ابزارهای تأمینی و یا مراقبتی برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تبانی او با شهود و مطلعین قضیه و یا حفظ آثار و ادله جرم و یا حمایت از جان متهم در برابر خشم مردم یا مجنی علیه و کسان او و بالاخره حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت کیفری به نظر قاضی ذی صلاح کافی تشخیص داده نشود. به همین لحاظ در حقوق فرانسه صدور قرار بازداشت در امور جنحه وقتی جایز است که مجازات جرم ارتكابی مورد اتهام حداقل دو سال حبس (در جرایم غیر مشهود) و یکسال (در جرایم مشهود) باشد. در مواردی هم که برحسب دلایل و قراین و امارات جرم مورد اتهام قابل انتساب به متهم است، بازداشت وی وقتی جایز است که به تشخیص قاضی تنها وسیله برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی او با شهود و مطلعین قضیه و حفظ آثار و دلایل جرم و نیز حفظ جان متهم از خشم مردم و مجنی علیه و کسان او و سرانجام حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت تلقی گردیده و یا متهم از اجرای تعهدات خود در قرارهای کنترل یا نظارت قضایی^۲، امتناع ورزد.^۳

1. Compendium of united Nations standards and norms in crime prevention and criminal justice, united Nations, (New York, 1992), PP 249-250 and 268-270.

۲- در حقوق فرانسه قرارهای نظارت یا کنترل قضایی عبارت از الزاماتی است که به تصمیم بازپرس به منظور تلفیق دو اصل اجتناب هر چه بیشتر و ممکن از صدور قرار بازداشت موقت و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا امحاء آثار جرم یا تبانی با مطلعین و شهود قضیه تحت شرایطی علیه او صادر می‌شود. این الزامات جنبه تأمینی هم می‌توانند داشته باشند. از قبیل: اجبار به اقامت در مناطق معین شده، عدم معاشرت با برخی از اشخاص، الزام به حسن سلوک و رفتار و

در نظام دادرسی پیشین ایران، بازداشت متهم به عنوان جلوگیری از تبانی یا فرار یا پنهان شدن در مورد جرایمی که در صلاحیت دادگاه بخش بود، ممنوع شده بود.^۴ در سایر جرایم اعم از جنایت و جنحه اصل بر جواز صدور قرار بازداشت موقت بود. در امور جنایی به طور مطلق قاضی می‌توانست قرار بازداشت صادر کند، اما در امور جنحه، بازداشت متهم مشروط به این بود که وی ولگرد باشد و نمی‌توانست کفیل و یا وثیقه معرفی کند و همچنین در صورتی که آزادی او به تشخیص قاضی موجب امحای آثار و دلایل جرم و یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و مطلعین واقع گردیده یا سبب امتناع شهود از ادای شهادت می‌شد و نیز در موقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم وجود داشت و به طریق دیگری امکان جلوگیری متفی بود، مقرر شده بود.^۵ در عین حال به طور استثناء قاضی مکلف به صدور قرار بازداشت موقت گردیده بود.^۶

مواد ۳۲ و ۳۵ قانون دادرسی اخیرالتصویب بدون توجه به قواعد و تحولات آیین دادرسی عرفی و موازین دادرسی اسلامی- که به شرح پیش گفته اصل را بر عدم جواز توقیف متهم جز در صورت وجود دلایل قوی و محکم می‌داند- ضمن اینکه اصل را در همه جرایم به تشخیص قاضی به نحو گسترده جواز بازداشت متهمین قرار داده است، مبادرت به تأسیس اصل دیگری تحت عنوان موارد بازداشت موقت اجباری نموده و در این موارد هم به طور وسیعی قاضی را مکلف به صدور قرار کرده است.

۲- جواز صدور قرار بازداشت در کلیه جرایم: طبق بند «د» ماده ۳۲، هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، قاضی می‌تواند: «در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین قضیه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع

→ خودداری از رانندگی. برای مطالعه بیشتر قرارهای مزبور در کتب: به گاستون استفانی و دیگران، همان، صفحات

۸۲۹-۸۳۶ و ژان لارکیه، همان، ص ۱۴۱ و محمّد آشوری، همان، صفحات ۱۶-۲۴.

۳- گاستون استفانی و غیره، همان، صفحات ۸۳۷-۸۴۴.

۴- تبصره ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب ۱۲۹۰ هـ.ش با اصلاحات بعدی.

۵- ماده ۱۳۰ مکرر همان قانون. ۶- از جمله تبصره ماده ۱۳۰ مکرر همان قانون.

نمایند، متهم را بازداشت کنند.

با عنایت به اطلاق صدر مقرر مزبور، قاضی به استناد تحقق هر بک از عناوین مورد اشاره در ماده به تشخیص خود می‌تواند در کلیه جرایم اعم از شدید یا کم اهمیت مبادرت به صدور قرار بازداشت موقت نماید. بند «د» ماده ۳۲ که به قاضی مجوز صدور قرار بازداشت را در جرایم کم اهمیت می‌دهد، نه تنها با تحولات آیین دادرسی عرفی و فقه امامیه که نهایتاً بازداشت متهم را جز در مورد قتل و جرایمی مشابه آن جایز نمی‌داند^۱، سازگاری ندارد، بلکه نسبت به آیین دادرسی پیشین هم که قدمت ۹۰ ساله دارد گامی به عقب محسوب می‌شود.

۳- بازداشت موقت اختیاری در اتهام به ارتکاب جرایم معینی: مطابق بندهای الف، ب، ج و ه ماده ۳۲ و تبصره ۲ آن، در جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام، رجم، صلب و قطع عضو بوده و یا حداقل سه سال حبس مقرر شده باشد و نیز جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی^۲ و اتهام به جرم قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز با رعایت بند «د» مذکور، هرگاه قرائن و امارات موجود، دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، قاضی می‌تواند متهم را بازداشت کند.

بررسی چند نکته در تبیین مقررات مزبور قابل توجه است:

۱-۳- با توجه به بند «د» که قاضی اختیار بازداشت متهم را در کلیه جرایم به استناد قبود مربوط دارد، نیازی به پیش‌بینی بندهای الف، ب، ج و ه نبوده است. آری در صورتی که قانونگذار بازداشت متهم را در جرایم کم اهمیت با مجازاتهای مشخص جایز اعلام نکرده بود، بندهای مزبور، آنها را حذف برخی از جرایم کم اهمیت^۳، به درستی طرح می‌شد، اما با وجود بند «د» وجود یا عدم وجود بندهای دیگر مساوی

۱- هرگاه به موازین دادرسی کیفری اسلام در مبحث مخاطره‌انگیز بودن قرار بازداشت مقاله حاضر.

۲- مواد ۳۹۸-۵۱۲ قانون مجازات اسلامی.

۳- به عنوان مثال یکی از جرایم مذکور در مواد فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تخلیه اطلاعاتی مأموران حفاظتی و اطلاعاتی است که مجازات آن یک تا شش ماه حبس پیش‌بینی شده است. (ماده ۵۰۶ همان قانون).

است.

در مقایسه این مطلب با بند ۱ ماده ۱۳۰ مکرر قانون دادرسی پیشین که به قاضی جواز بازداشت موقت متهم را در ارتکاب به جنایات، مطلقاً اعطاء کرده بود، باید توجه داشت که قانونگذار در ماده مزبور نسبت به جنایات، بیم فرار یا مخفی شدن متهم و یا امحای آثار جرم یا تبانی با شهود و مطلعین قضیه را مفروض دانسته بود. به این معنی که قاضی در مورد اتهام به جنایات نیازی به استدلال و توجیه احراز موضوع موارد فوق‌الذکر را نداشت، ولی در سایر موارد مجاز بازداشت، قاضی باید با استدلال و توجیه کافی قرار بازداشت صادر نموده و این قرار تحت نظارت و کنترل قضایی قرار می‌گرفت. در حالی که طبق قانون اخیرالتصویب در کلیه موارد، قرارهای بازداشت موقت از حیث رعایت فیود بند «د» مورد کنترل موضوعی و حکمی مقامات قضایی تأییدکننده قرار گیرد. بدین ترتیب مسئولیت مقامات مزبور در جلوگیری از صدور بی‌رویه قرارهای بازداشت موقت بسیار سنگین می‌باشد.

۲-۳- معلوم نیست که قصد قانونگذار از اندراج بند «ه» ماده ۳۲ «جواز بازداشت متهم در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز» چه بوده است؟

وقتی که قاضی می‌تواند در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام است با رعایت شرایط حداقل به مدت یک ماه بازداشت کرده و در صورت ضرورت آن را تمدید کند، و از طرفی طبق بند «الف» ماده ۳۵ همان قانون در اتهام قتل عمدی مکلف به بازداشت متهم است، پیش‌بینی بند «ه» کاملاً زائد و بی‌مورد است.

احتمالاً هدف تهیه‌کنندگان قانون رعایت موازین فقه امامیه بوده است، اما چنانکه متذکر شدیم، در دیدگاه اکثریت فقهای امامیه تنها مورد بازداشت متهم، تحقق شرایط «بند ه» است.

ممکن است تصور شود که قاضی در مورد بند ه می‌تواند در صورت فقه هرگونه دلیل، قرینه و یا امارات دیگری مبادرت به اعمال بند مزبور نماید. این تصور نیز نادرست است. زیرا به موجب صدر ماده ۳۲ بازداشت موقت مشروط به وجود امارات و قرائن

مبنی بر توجه اتهام به متهم در موارد مذکور در بندهای مختلف ماده از جمله بند «ه» با رعایت قیود بند «د» می‌باشد. بنابراین همچنانکه برخی از علمای دادرسی کیفری تصریح کرده‌اند، درخواست اولیای دم برای تکمیل دلایل است.^۱

۳-۳. بر اساس تبصره ۱ ماده ۳۲، در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد، در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن متهم موجب افساد باشد.

از مفاد تبصره مزبور معلوم می‌شود که بازداشت موقت متهم در جرایم منافی با عفت، مشروط به رعایت دو شرط است:

- جنبه شخصی داشتن ارتکاب جرم منافی عفت.

- صدق افساد به لحاظ آزاد بودن متهم در صورت فقد جنبه شخصی.

در این تبصره دو عبارت جنبه شخصی داشتن جرم منافی عفت و صدق افساد در صورت آزادی متهم مرتکب به آن مبهم است. در صورتی که منظور از قید جنبه شخصی داشتن، پیگیری موضوعی می‌باشد که دارای شاکی خصوصی است، با توجه به اینکه قانونگذار مصادیق را معین ننموده است، تشخیص مصادیق به عهده قاضی خواهد بود. مصداق بارز وقتی است که نسبت به زن یا دختر و یا پسر و یا مردی تجاوز به عنف صورت گرفته باشد. مصداق دیگر ارتکاب زنا توسط زن یا مرد محصن است که در این فرض همسر می‌تواند شاکی خصوصی تلقی گردد. به هر حال تشخیص مصادیق به عهده قضات واگذار شده است که امکان اختلاف و تشتت آراء در این زمینه وجود دارد. شرط دیگر در تبصره ۱ این است که با فرض عدم وجود شاکی خصوصی آزاد بودن متهم موجب افساد نشود. قانونگذار مراد خود را از افساد روشن ننموده است. اگر مصادیق افساد موارد مذکور در بند «د» است که این قید زاید است و اگر مفهوم دیگری مراد باشد، باید بدون ابهام ذکر شود تا تکلیف قضات روشن گردد.

۴- بازداشت موقت اجباری: همان گونه که گفته شد، قانون اخیرالتصویب برخلاف

اصول و قواعد دادرسی کیفری، اصل دیگری در کنار اصل بازداشت موقت اختیاری به نام بازداشت موقت اجباری در ماده ۳۵ تأسیس کرده است.

بدین ترتیب در صورت تحقق یکی از موارد و نیز شرایط مربوط در ماده فوق‌الذکر قاضی مکلف به صدور قرار بازداشت موقت است و نمی‌تواند مبادرت به صدور قرار تأمین دیگری نماید.

از حیث اصول آیین دادرسی، صدور بازداشت موقت اجباری نه تنها ناقض اصل حمایت از اشخاص در اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز در اسناد بین‌المللی محسوب می‌شود^۱، بلکه نوعی دخالت قوه مقننه در دادرسی و تحدید اختیارات قاضی در تفسیق حقوق و آزادیهای فردی است.^۲

زیرا در تحولات آیین دادرسی اصل بر جواز صدور قرار بازداشت موقت ضمن رعایت شرایط و محدودیتهای سنگینی است که اطمینان کافی از صحت صدور قرار در موارد کاملاً ضروری را همراه دارد.

موارد بازداشت به گونه‌ای وسیع و در نظر گرفتن شرایطی مبهم و بعضاً معارض با برخی از مصادیق بازداشت موقت اختیاری در بندهای الف- ماده ۳۵ پیش‌بینی شده است.

تبیین موارد مزبور به شرح ذیل است:

۱-۴- مطابق صدر ماده ۳۵، صدور قرار بازداشت موقت اجباری هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، مشروط به قیود مذکور در ماده ۳۲ و تبصره‌های آن گردیده است. بنابراین در هر مورد، چنانچه آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم و یا تبانی با شهود، مطلعین و متهمان دیگر و یا امتناع شهود از ادای شهادت نباشد و نیز زمانی که احتمال فرار یا مخفی شدن متهم با صدور قرارهای تأمین دیگر متفی گردد، صدور قرار بازداشت جایز نیست. در جرایم منافی عفت نیز

۱- حسین غلامی، حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص در اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز در اسناد بین‌المللی، نشریه امنیت شماره نهم، دهم، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۷۹، صفحات ۳۰-۴۰.

۲- هوشنگ ناصرزاده، همان، ص ۱۰۵ و محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، صص ۱۵۵-۱۵۶.

چنانچه شرایطی که قبلاً توضیح داده شد، محقق نباشد، بازداشت موقت مستفی است. تشخیص تحقق شرایط یا عدم تحقق شرایط مزبور با قاضی پرونده است.

۴-۲- وفق بندهای الف و ب ماده ۳۵، در جرایم قتل عمد، آدم ربایی، اسیدپاشی و محاربه و افسار فی الارض و به طور کلی در جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام و یا حبس دائم است، قانونگذار با احراز تحقق شرایط فوق‌الذکر مکلف به صدور قرار بازداشت است. در حالی که به موجب بند الف و ماده ۳۲، با وجود همان شرایط در مورد اتهام قتل عمدی و جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام می‌باشد، قاضی تکلیفی به صدور قرار بازداشت ندارد. از این روی در مصادیق برخی از موارد بازداشت موقت اختیاری و اجباری تعارض مشهود است.

۴-۳- بر اساس بند ج ماده ۳۵، چنانچه در اتهام به ارتکاب جرایم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول، متهم یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور داشته باشد، ضمن رعایت شرایط و قیود مقرر، قاضی مکلف به صدور قرار بازداشت موقت است.

در مقایسه بند ج با تبصره ۴ ماده ۳ و تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۶۷، که مفاداً حاکی است، چنانچه در اتهام ارتشاء مبلغ مورد اتهام زائد بر دو بیست هزار و در اتهام اختلاس مبلغ مورد اتهام زائد بر یکصد هزار ریال بوده و دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم موجود باشد، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است، نظریات مختلفی ابراز شده است:

- برخی معتقدند که بند ج موجب نسخ تبصره‌های مزبور گردیده است و در نتیجه قید مبلغ و مدت یکماه بازداشت الزامی در اتهام به جرایم اختلاس و ارتشاء مستفی شده است و صدور قرار تابع شرایط ماده ۳۵ و بند ج همان ماده است. دیدگاه نسخ با نظریه شورای نگهبان مبنی بر عدم قابلیت نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت به وسیله مصوبات مجلس نیز سازگار می‌باشد. زیرا فرض بر این است که شورای نگهبان از

موضوع نسخ مطلع گردیده و با وجود این قانون جدید را تأیید نموده است.^۱
 - عده‌ای دیگر می‌گویند که بند ج ماده ۳۵ ناسخ مواد مورد اشاره نیست.^۲ بهتر است
 بین دو قانون جمع شود. بدین معنی که در صورتی که اتهام به ارتشاء و اختلاس زائد بر
 مبالغ مقرر باشد، به تبصره ۴ ماده ۳ و تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات ... عمل
 شود و چنانچه کمتر از مبلغ مقرر در تبصره‌های یاد شده باشد، طبق مفاد بند ج ماده ۳۵
 اقدام گردد. با عنایت به اینکه نظریه اول متضمن تفسیر قوانین جزایی به نفع متهمین
 است، اصح به نظر می‌رسد.

۴-۴- طبق مفاد بند «د» در هر موردی که آزادی متهم موجب فساد باشد، قاضی
 ملزم به صدور قرار بازداشت موقت است. اطلاق و عموم بند مزبور مشمول همه جرایم
 با هر میزان مجازات است.

صرف نظر از تعارض بند مزبور با تبصره ۱ ماده ۳۲ که در جرایم منافی عفت فاقد
 شاکی خصوصی، چنانچه آزادی متهم موجب فساد باشد، از موارد بازداشت موقت
 اختیاری است، در حالی که مطابق بند «د» ماده ۳۵ از جمله موارد بازداشت موقت
 اجباری تلقی شده است، اساساً مقنن مراد خود را از عنوان فساد مشخص نکرده است.
 اگر مراد از فساد مواردی بجز موارد مذکور در بند «د» ماده ۳۲ می‌باشد که وسعت دامنه
 آنها به قدری زیاد است که مورد دیگری به عنوان فساد باقی نمی‌گذارد، باید توسط مقنن
 روشن شود. و اگر همان موارد بند «د» ماده ۳۲ مراد است، چه ضرورتی به پیش‌بینی
 مورد مذکور بوده است؟

به هر حال ابهام موجود در عنوان فساد موجب صدور قرارهای بازداشت موقت
 بی‌رویه خواهد شد. زیرا تعیین مفهوم و مصادیق به عهده قاضی گذاشته شده است و لذا
 او می‌تواند هر آنچه را که به تشخیص خود فساد می‌داند محملی از برای بازداشت متهم
 نگونبخت قرار دهد.

۴-۵- به موجب مفاد بند «ه» ماده ۳۵ علاوه بر موارد مزبور، در کلیه جرایمی که

طبق قوانین خاص بازداشت موقت الزامی می‌باشد، قاضی مکلف به بازداشت متهم است. برخی از قوانین خاص که بازداشت موقت متهم را الزامی نموده‌اند، عبارت‌اند از:

- بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۴۴/۴/۶.

- ماده ۱۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و

درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۵۹/۳/۱۹.

- تبصره ۳ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی

و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹.

- تبصره ۲ ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

نکته قابل توجه در اعمال قرار بازداشت موقت بر اساس مواد مزبور این است که اگر چه نوعاً در این مواد وجود دلایل و قرائن کافی دال بر توجیه اتهام به متهم شرط ضروری صدور قرار قید گردیده است، لیکن با عنایت به صدر و ذیل ماده ۳۵ قانون جدید، علاوه بر احراز شرط مزبور، قیود و شروط ماده ۳۲ و تبصره‌های آن نیز که قبلاً مطرح شد، باید وجود داشته باشد. وانگهی با وجود اینکه در برخی از مواد فوق‌الذکر مانند ماده ۱۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر ادامه بازداشت تا صدور حکم مقرر گردیده است، اما به استناد ماده ۳۵ اخیرالتصویب حداکثر مدت بازداشت نمی‌تواند از حداقل مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز نماید. و همچنین مستند به ماده ۳۷ قانون جدید، در کلیه موارد قاضی مکلف است در صورت سپری شدن یکماه از مدت بازداشت، چنانچه بر اساس شرایط و قیود مذکور در ماده ۳۲ و تبصره‌های آن ضرورتی برای ادامه بازداشت وجود داشته باشد، به طور مدلل و موجه و مستند قرار بازداشت را تمدید کرده و حق اعتراض متهم را در متن قرار تمدید شده ذکر و به او تفهیم کند.

ماده ۳۶ قانون اخیرالتصویب می‌گوید: «در حقوق الناس جواز بازداشت متهم منوط

به تقاضای شاکی است.»

با توجه به سوابق تقنینی^۱ و چالشهایی که در زمینه ارائه معیاری برای تفکیک جرایم مستلزم به حق الله و حق الناس بین حقوقدانان و نیز رویه قضایی وجود داشت^۲، مراد از حقوق الناس «جرایم قابل گذشت» مذکور در ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی می باشد.

طبق موازین آیین دادرسی کیفری دو خصیصه مهم جرایم مزبور این است که تعقیب جزایی آنها جز با شکایت شاکی خصوصی یا متضرر از جرم شروع نمی شود و در صورت گذشت یا استرداد شکایت، تعقیب جزایی یا اجرای حکم موقوف خواهد شد.^۳ حال با عنایت به مفاد ماده ۳۶ قانون جدید، مقنن علاوه بر خصوصیات فوق الذکر، جواز صدور قرار بازداشت موقت را نیز در جرایم قابل گذشت منوط به تقاضای شاکی خصوصی دانسته است. این شرط از حیث اینکه شرطی اضافه بر قبود و شرایط بازداشت موقت اعم از اختیاری و اجباری مطرح می کند، به لحاظ ایجاد محدودیت بیشتر در صدور قرار بازداشت، در راستای تحقق اصول دادرسی کیفری محسوب است. در عین حال برخی از علمای دادرسی کیفری ضمن انتقاد به پیش بینی شرط مورد بحث، آن را به عنوان ابزاری در اختیار اکثر قریب به اتفاق شاکیان خصوصی برای به زانو در آوردن متهمین جهت تسلیم ایشان به خواسته های خود می دانند.^۴

اگرچه اشکال مزبور، در زمینه امتیاز اختیار تعقیب متهم و موقوف ساختن رسیدگی در جرایم قابل گذشت نیز صدق می کند و ایرادی اساسی محسوب نمی شود، اما باید دانست که علی الاصول قرار تأمین به خصوص بازداشت موقت از جمله اقدامات قضایی مهم مخاطره آمیز در تحدید حقوق و آزادیهای فردی برخلاف اصل برائت است که در

۱- ر.ک. به: تبصره ۲ ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی و ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هـ ش.

۲- محمّد آشوری، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات سمت، ج ۱، صفحات ۱۲۸-۱۳۸ و حسنعلی مؤذن زادگان، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۷۵، صص ۵۱-۵۳.

۳- تبصره ۲ ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی.

۴- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، صص ۱۵۶-۱۵۷.

نظامهای دادرسی کیفری جزء قواعد آمره محسوب گردیده و فقط مقام صالح قضایی در مواقع ضروری و رعایت شرایط و قیود لازم و در راستای اجرای عدالت کیفری می‌تواند مبادرت به صدور آن نماید و تقاضا و یا عدم تقاضای اشخاص عادی ذی‌مدخل در امر جزایی در این خصوص مؤثر در مقام نیست. به همین جهت اولی آن است که مقنن برای دفع شائبه سوءاستفاده احتمالی شاکیان خصوصی تصریحی به این مطلب نداشته باشد. چه اینکه شاکی خصوصی به طور طبیعی برای وصول به خواسته به حق یا ناحق خود متوسل به انواع راهکارهای قانونی در اثنای دادرسی کیفری می‌گردد. و شاید از فرط بدیهی بودن موضوع در قوانین دادرسی تصریحی به این امر نشده است.

طبق آنچه که از دست اندرکاران تهیه و تصویب قانون جدید نقل گردیده است، ماده ۳۶ اخیرالذکر بنا به درخواست شورای نگهبان با انگیزه تطبیق با موازین دادرسی اسلام پیش‌بینی گردیده و در لایحه اولیه پیشنهادی فوه قضائیه به مجلس مطرح نبوده است.^۱ همان‌گونه که قبلاً مرقوم گردید، به نظر اکثریت فقهای امامیه بازداشت موقت متهم فقط در قتل و نه حتی در قطع اعضاء و جراح، به مدت حداکثر شش روز پیش‌بینی شده است. و در ظاهر کلام فقهای مزبور و نیز روایاتی که به استناد آن جواز بازداشت مقرر گردیده است، این جواز بر خلاف اطلاق ماده ۳۶، ابدأ در کلیه جرایم مستلزم تجاوز به حقوق الناس مطرح نشده است. در خصوص شرط درخواست اولیای دم برای توقیف متهم به قتل نیز برخی از فقها به این امر تصریح فرموده‌اند و از سیاق کلام عده دیگر این طور استنباط می‌شود که اولیای دم صرفاً تقاضای استمهال برای اقامه بینه دارند و اتخاذ تصمیم توقیف متهم به مدت حداکثر شش روز با حاکم است.^۲

در صورتی که متهمی به لحاظ اعمال غرض و سوءنیت قاضی دادگاه، مدتی از ایام عمر خود را تحت قرار بازداشت موقت سپری کند، طبق مفاد ماده ۵۷۵ قانون مجازات

اسلامی از حیث توقیف غیر قانونی برای قاضی مسئولیت کیفری و مجازات قانونی مقرر و متهم مستحق دریافت غرامت ناشی از ارتکاب جرم است. به علاوه قاضی مزبور به جهت صدور قرار نامتناسب تحت تعقیب انتظامی قرار می‌گیرد.^۱

موضوع قابل توجهی که در زمره تحولات آیین دادرسی در دهه‌های اخیر مطرح گردیده است، حق جبران خسارت متهمینی است که به موجب قرار به ظاهر قانونی، مدتی از عمر خود را در بازداشت به سر برده و با فرض عدم احراز سوءنیت قاضی صادرکننده قرار، پس از طی مراحل دادرسی، بی‌گناهی آنان به اثبات رسیده و قرار منع پیگرد و یا حکم برائت قطعی دریافت می‌نمایند. بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ م پرداخت غرامت متهمین بی‌گناه بازداشت شده را مقرر داشته است.^۲

در مبنای پذیرش قاعده مزبور که از موضوعات پیشرفته آیین دادرسی کیفری در حمایت از حقوق و آزادیهای فردی است، گفته‌اند^۳: «اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند که خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر یکی از افراد وارد گردیده جبران شود».

به موجب این قاعده در قوانین دادرسی کیفری برخی از کشورها مانند فرانسه (قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰)، آلمان فدرال (۸ مارس ۱۹۷۱)، بلژیک (۱۳ مارس ۱۹۷۳) و لوکزامبورگ (۳۰ دسامبر ۱۹۸۱)، پرداخت غرامت به متهمین بی‌گناه بازداشت شده پیش‌بینی شده است.^۴

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با انگیزه توسعه قاعده پیش گفته در سایر کشورها در اصل ۳۵ «مجموعه اصول حمایت از کلیه اشخاصی که به هر شکل در بازداشت

۱- و.ر.ک.ه. به: بحث ضرورت مستند، مدلل و موجه بودن قرار تأمین مقالة

2. Compendian of united Nations standards and norms in crime prevention and criminal justice, OP.Cit. P.250.

۳- محمود آشوری، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، ص ۲۵۵.

۴- زال پرادل، همان، صص ۲۰۴-۲۰۵.

موقت و یا محکومیت به حبس به سر می‌برند، مصوب دسامبر ۱۹۸۸ م، در راستای تأکید ضمنی بر ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضرورت پیش‌بینی حق جبران خسارت و تفهیم آن را به متهمین بی‌گناه بازداشت شده در قوانین داخلی کشورها مقرر نموده است.^۱

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ هـ ش با اصلاحات بعدی، در راستای اعمال قاعده مزبور در نظام دادرسی ایران مقرراتی پیش‌بینی نکرده بود. علمای دادرسی کیفری ایران با طرح موضوع، به مقنن پیشنهاد تصویب مقرراتی در این زمینه ارائه دادند که مورد توجه قرار نگرفت.^۲

پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، مفاد اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به مقنن چنین مجوزی اعطاء نموده که ساز و کار پرداخت غرامت و اعاده حیثیت متهمین بی‌گناه بازداشت شده را در مقررات آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نماید. این موضوع در پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشگاهها که به لحاظ رعایت جنبه کاربردی باید مورد توجه مقنن قرار گیرد، مطرح شده و به موجب مصوبات قانونی مزبور پیشنهاد گردیده که در قوانین دادرسی کیفری ایران نیز به موازات تحولات دادرسی کیفری پیش‌بینی و مقرر شود.^۳

با این حال، قانون اخیرالتصویب با وجود سوابق دگرین و مصوبات اشاره شده، ضمن اینکه اختیارات و الزامات وسیعی در اعمال بازداشت موقت متهمین با شرایط و قیود بعضاً مبهم به تشخیص قضات دادگاهها مقرر داشته، همچون گذشته راهکارها، ضوابط و آیین دادرسی موضوع پرداخت غرامت متهمین بی‌گناه را مورد توجه قرار نداده و در زمینه هماهنگ شدن با تحولات دادرسی کیفری و قانون اساسی اقدامی ننموده است.

1. Compendium of united Nations standards and norms in crime prevention and criminal justice, OP. Cit, P.210.

۲- محمد آشوری، عدالت کیفری، ص ۴۶.

۳- حسنعلی مؤذن زادگان، پایان‌نامه حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، ص ۳۹۳.

بدیهی است که پیش‌بینی جبران خسارت پس از دوران آزمایشی قانون، نه تنها موجب اعمال دقت و احتیاط قضات در صدور قرار بازداشت موقت می‌گردد و از اشتباهات قضایی می‌کاهد، بلکه در تضمین حقوق دفاعی متهمین و احترام به حقوق فردی بسیار مؤثر خواهد بود.

اگرچه بازداشت موقت متهمین در امر تحقیقات و دادرسی در بین علمای دادرسی کیفری دارای مخالفان و موافقانی است که هر یک برای تبیین دیدگاههای خود، به دلایلی تمسک جسته‌اند؛ اما به منظور تلفیق دیدگاههای مزبور، اسناد بین‌المللی حقوق بشر به کشورها توصیه و تأکید نموده‌اند که قرار بازداشت موقت به عنوان قاعده‌ای کلی در قوانین داخلی تلقی نشود. خسارت متهمین بی‌گناه بازداشت شده جبران گردد و صرفاً در موارد ضروری و در تعقیب جرایم مهم تحت شرایط و محدودیتهای خاص از جمله تعیین مدت آمرانه بازداشت، پیش‌بینی حق اعتراض متهم به بازداشت و رسیدگی به آن در یک مرجع عالی قضایی مقرر شود.

در نظام دادرسی اسلامی، به نظر اکثر فقهای امامیه اصل بر عدم جواز توقیف متهم جز در مورد اتهام قتل با محدودیت خاص است. برخی دیگر از فقهاء با توقیف متهم در اثنای تحقیقات و دادرسی به طور مطلق مخالفت ورزیده‌اند.

مواد ۳۲-۳۸ قانون دادرسی کیفری جدید بدون توجه به راهکارهای مزبور، ضمن اینکه مجوز صدور قرار بازداشت را در کلیه جرایم تحت شرایطی بعضاً مبهم به قضات اعطاء نموده است، در موارد بسیاری ایشان را مکلف به بازداشت متهمین کرده است. از جمله مواردی که قضات مکلف به صدور قرار بازداشت شده‌اند، زمانی است که آزادی متهم موجب فساد باشد. مقنن مفهوم و مصادیق روشنی از عنوان «فساد» ارائه نداده است. بنابراین قضات هر آنچه را که به زعم خود فساد تشخیص دهند، می‌توانند محملی برای تکلیف خود به بازداشت متهمین تلقی نمایند. در برخی از مواد، تعارض روشن مشهود است. به عنوان مثال طبق بند الف ماده ۳۲ در صورت تحقق شرایط لازم مقرر

در همان ماده، در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام است، قاضی مجاز به صدور قرار بازداشت می‌باشد و حال آنکه به موجب بند ب ماده ۳۵، بازداشت متهم در اتهام به جرایم مزبور تحت همان شرایط، تکلیف قاضی به شمار می‌رود.

از آنجا که مطابق موازین نظام دادرسی اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بازداشت موقت متهمین مخاطره‌آمیز است، و ابهام و تعارض و تأسیس قاعده در بازداشت موقت متهمین - همان طور که از مفاد مواد مزبور مستناد می‌شود - موجب صدور قرار بازداشت موقت بی‌رویه خواهد شد، پیشنهاد مشخص نگارنده این است که مقنن هر چه زودتر باید تا قبل از اتمام دوره آزمایشی قانون به اصلاح و رفع تعارض و ابهام مقررات ناظر به بازداشت موقت متهمین همت گمارد.

نقش ایکائو در مبارزہ با قاچاق و استعمال مواد مخدر و داروهای روان گردان^۱

دکتر منصور جباری^۲

اعتیاد به مواد مخدر از جمله چالش های مهم جامعه امروز است که کم و بیش گریبانگیر تمام کشورهای دنیا می باشد. طبق آمار موجود، در سطح جهان، سالیانه بیش از پانصد میلیارد دلار صرف مصرف مواد مخدر می شود. این مبلغ از درآمد خالص کلیه کشورهای جهان به استثنای هفت کشور ثروتمند دنیا بیشتر است. هم اکنون در جهان بیش از ۲۱۴ میلیون نفر معتاد وجود دارد.^۳ از جمله علل مؤثر در اعتیاد، عوامل

۱ - در این مقاله از نظریات دکتر مایکل میلده، استاد انستیتو حقوق هوا و فضای دانشگاه مکن گیل کانادا و رئیس سابق کمیته حقوقی سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)، در مقاله ذیل استفاده شده است.

Michael Milde, "The Role of ICAO in the Suppression of Drug Abuse and Illicit Trafficking", *Annals of Air and Space Law*, vol. XIII, 1988 at 140.

۲ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

3. The Economist, "World in Figures", London, The Economist, 1994, at 22.

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و از همه مهمتر عوامل فردی و شخصیتی می‌باشد. پدیده مواد مخدر و اعتیاد به آن از مهمترین مسایل و معضلات کنونی جوامع بشری است، معضل خانمانسوزی که علاوه بر پیامدهای اقتصادی سنگین، سلامت روانی جامعه را با خطرات جدی روبرو می‌سازد. اعتیاد زمینه‌ساز شیوع بیماری‌های مهلکی چون ایدز، هپاتیت و سیفلیس می‌باشد. هپاتیت و ایدز به عنوان مشکلات ناشی از مصرف مواد مخدر تزریقی، سلامت جامعه را به طور جدی تهدید می‌کنند.

قاچاق مواد مخدر جنبه بین‌المللی به خود گرفته است. باندهای گسترده و مخوف و مجهز به مدرن‌ترین وسایل در سطح بین‌المللی مبادرت به قاچاق مواد مخدر می‌نمایند. بازار سیاه مواد مخدر در شبکه‌های فعال و نیرومند در بیشتر کشورهای جهان فعالیت دارند و قاچاقچیان حرفه‌ای با قدرت مالی سرسام‌آور به تمام وسایل پیشرفته از جمله هواپیما مجهزند؛ لذا بخشی از قاچاق مواد مخدر به وسیله حمل و نقل هوایی صورت می‌گیرد. قاچاق مواد مخدر از طریق هواپیما نه تنها خود جرم است، بلکه منجر به ارتکاب جرایم دیگری همچون انهدام فرودگاهها و هواپیماها به وسیله قاچاقچیان شده، تهدیدی جدی برای امنیت هواپیمایی به شمار می‌رود. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی مجمل بعضی اسناد مهم بین‌المللی در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر، نقش سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشور در مبارزه با استعمال مواد مخدر توسط خدمه هواپیما در محل کار و نیز تلاش‌های این سازمان برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان با هواپیما بررسی شود.

مبارزه برای کنترل اثرات اعتیاد به مواد مخدر، از قرن گذشته در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز گردیده است. در سال ۱۹۰۹ بنا به درخواست اسقف فیلیپین از رئیس‌جمهور وقت آمریکا، کنفرانسی در شانگهای با حضور ۱۳ کشور از جمله اتریش، ایتالیا، هند، ژاپن، فرانسه، آلمان، ایران، پرتغال و ترکیه تشکیل گردید. کنفرانس

پس از ۲۶ روز بحث و گفتگو با صدور قطعنامه‌ای پایان یافت.^۱

از تاریخ صدور قطعنامه مزبور تاکنون بسیاری از کشورها در جهت مقابله با تولید، استعمال و قاچاق مواد مخدر تلاش کرده‌اند. پارلمان آمریکا در سال ۱۹۴۴ قانون شماره ۴۰۰ را تصویب نمود که به موجب آن، رئیس‌جمهور آمریکا ملزم گردید کشت و تولید مواد مخدر را کنترل کند و اطمینان حاصل نماید که بیش از نیازهای علمی تولید نخواهد شد.

واکنش شدیدتری پس از پایان جنگ جهانی دوم در انگلستان برای مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر صورت گرفت. دولت، قانونی را به تصویب رساند که مطابق آن کسانی که به خرید و فروش مواد مخدر و یا قاچاق آن مبادرت کنند، به سختی مجازات شوند.

متأسفانه ایران نیز از این بلای خانمانسوز در امان نبوده است. ایران، شاید بیشتر به دلیل موقعیت جغرافیایی آن یعنی همجواری با کشورهای تولیدکننده عمده مواد مخدر نظیر پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر از آسیا به اروپا، با مشکلات فراوانی مواجه بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در حالی که شرایط ویژه اقتصادی را پشت سر می‌گذاشت، میلیاردها ریال صرف مبارزه با قاچاق مواد مخدر و ایجاد موانع در مرزهای خود با افغانستان کرد تا سد راه قاچاق مواد مخدر به داخل کشور شود. در سال ۱۳۵۸ رسیدگی به جرایم مربوط به مواد مخدر، که تا آن تاریخ در دادگاههای نظامی رسیدگی می‌شد، به دادگاههای انقلاب اسلامی محول گردید و دولت مبارزه‌ای جدی برای ریشه کن کردن مواد مخدر آغاز نمود.

مطابق ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اشخاصی که به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید و فروش بیش از سی گرم هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین مبادرت کنند، به اعدام و مصادره اموال محکوم می‌گردند. به استنباط از ماده

1. Bell, R., "The History of Drug Prohibition and Legislation", Interpol International Criminal Police, (September-October 1991), at 2.

۳۲ همان قانون، احکام اعدام صادره در بسیاری از مواقع قابل تجدیدنظر نبوده، پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور، قطعی و لازم الاجراست. این در حالی است که علی‌رغم تمهیدات پیش‌بینی شده همچون تشدید مجازات‌ها، نه تنها میزان کشت و تولید مواد مخدر و تعداد معتادان کاهش نیافته بلکه کشت، تولید و توزیع این مواد روز به روز افزایش یافته است.

الف) معاهده ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان^۱

معاهده در مقدمه خود به نگرانی عمیق از روند رو به رشد و نفوذ قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان در گروه‌های مختلف اجتماعی و نیز به استفاده از کودکان در مناطق مختلف جهان برای تولید، توزیع و تجارت مواد مخدر و داروهای روان‌گردان اشاره می‌کند. مطابق معاهده، قاچاق مواد مخدر، جرمی بین‌المللی است که برای ریشه‌کنی آن باید اولویت قابل شد. مبارزه با قاچاق مواد مخدر مسئولیت جمعی همه دولت‌هاست و برای نیل به این هدف، همکاری بین‌المللی ضروری می‌باشد. کشورهای عضو معاهده متعهد شده‌اند که برای اعمال مجازات‌هایی از قبیل زندان در موارد ذیل اقدامات لازم مبذول دارند:

تولید، ساخت، تقطیر، تهیه، عرضه برای فروش، توزیع، فروش، تحویل در هر گونه شرایطی، واسطه‌گری، ارسال به صورت ترانزیت- حمل و نقل، ورود و یا صدور هر گونه مواد مخدر و یا داروی روان‌گردان؛

- کشت خشخاش، بوته کوک و گیاه شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر؛

- در اختیار داشتن و یا خرید هرگونه مواد مخدر و یا داروی روان‌گردان به منظور

ارتکاب موارد یاد شده؛

- سازماندهی، مدیریت و یا تأمین بودجه برای ارتکاب جرایم مذکور؛

1. Convention Against Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances and Related Activities.

- تبدیل و با انتقال اموال با علم به اینکه اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم و یا جرایم مذکور و یا مشارکت در جرم و یا جرایم مزبور به منظور اختفا و یا کتمان نامشروع اموال و یا معاونت با هر شخصی که در ارتکاب چنین جرم و یا جرایمی دست داشته است؛

تحصیل، تملک و یا استفاده از اموالی که به طرق یاد شده به دست می آید؛
تشویق علنی دیگران برای ارتکاب جرایم مزبور؛

شرکت، همکاری و یا تبانی در اقدام به جرم و معاونت، مشارکت، تسهیل و تشویق به ارتکاب جرایم مزبور.^۱

بر اساس ماده ۴ معاهده، هر یک از اعضا می تواند در صورتی که جرم در قلمرو سرزمین یا بر روی عرشه کشتی حامل پرچم او و یا در هواپیمای ثبت شده آن کشور ارتکاب یافته باشد، صلاحیت خود را اعمال نماید. همچنین کشورهای عضو در صورتی که جرم توسط یکی از اتباع آنها و یا شخصی ارتکاب یافته باشد که در آن کشور سکونت دارد، می تواند مجرم را مجازات نماید.

مطابق معاهده، جرایم موضوع این معاهده در همه معاهدات استرداد مجرمان موجود بین دولتهای متعاقد به خودی خود از جمله جرایم قابل استرداد تلقی خواهد شد. دولتهای متعاقد تعهد نموده اند که در معاملات استرداد می کنند، جرایم موضوع معاهده حاضر را از جمله جرایم قابل استرداد محسوب بدانند.^۲

ماده ۱۵ معاهده مربوط به متصدیان حمل و نقل تجاری می باشد. مطابق آن، اعضای متعاقد متعهد شده اند برای حصول اطمینان از عدم استفاده از وسایط نقلیه متصدیان حمل و نقل تجاری ارتکاب جرایم مذکور در این معاهده، اقدامات لازم معمول دارند. کشورهای عضو باید متصدیان حمل و نقل را ملزم کنند که اقدامات لازم را برای ممنوعیت استفاده از وسایل نقلیه خود در جهت ارتکاب جرایم مذکور در این معاهده انجام دهند. متصدیان حمل و نقل موظف اند با آموزش پرسنل خود برای شناسایی

۱- ماده ۳ معاهده ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان.

۲- همان، ماده ۶.

محموله‌ها و یا افراد مظنون و نیز ارتقای سطح درستکاری و صحت عمل پرمسل، احتیاط‌های لازم را برای جلوگیری از استفاده ناصحیح از وسایل نقلیه به عمل آورند. متصدیان حمل و نقل می‌توانند از مهر و مومهای غیرقابل دستکاری و مطمئن بر روی کانتینرها استفاده نموده، اوضاع و احوال مشکوکی را که احیاناً با ارتکاب جرایم مذکور در این معاهده مرتبط می‌باشد، در اولین فرصت به مقامات ذی‌ربط گزارش کنند. اعضای متعهد باید اطمینان حاصل کنند که متصدیان حمل و نقل و مقامات ناظر در نقاط ورودی و خروجی و سایر مناطق گمرکی در جهت مبارزه با ارتکاب جرایم مزبور با همدیگر همکاری می‌نمایند.

ب) کنفرانس سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مدت نسبتاً زیادی است که ممنوعیت قاچاق مواد مخدر مورد توجه و عنایت سازمان ملل قرار گرفته است. قطعنامه ۳۵/۱۹۵ سازمان ملل که در سال ۱۹۸۰ در این زمینه صادر شده، مورد حمایت کشورهای بسیاری قرار گرفته است.^۱ این قطعنامه، تهدید روزافزون مواد مخدر، تأثیر مخرب آن بر سلامتی انسان، نقش منفی آن در توسعه اجتماعی (مخصوصاً افزایش جرایم)، اقتصادی و امنیت ملی را مدنظر داشته است. همچنین قطعنامه ۱۶۸/۳۶ سال ۱۹۸۱ سازمان ملل که به نابودی مواد مخدر مربوط است از دولتها می‌خواهد تا در مبارزه بین‌المللی علیه تولید غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و سوءاستفاده از آن هماهنگی و همکاری کنند.^۲ این قطعنامه به نهادهای تخصصی سازمان ملل توصیه می‌کند که در محدوده صلاحیت خود در این مبارزه سهم باشند.

کنفرانسی بر اساس قطعنامه ۴۰/۱۲۲ مورخ ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد از ۱۷ لغایت ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ در شهر وین با سخنرانی دبیر کل سازمان ملل متحد تشکیل

1. International Co-operation in Drug Abuse Control, UN GAOR, A/RES/35/195 (December 15, 1980).

2. International Drug Abuse Strategy, UN GAOR, A/RES/36/168 (Dec. 16. 1981).

گردید. در کنفرانس، نمایندگان از ۱۳۸ کشور که اکثر آنها از وزرا یا مقامات عالیرتبه کشورها بودند، حضور داشتند؛ لذا کنفرانس به محلی برای بیان اراده سیاسی ملل و اتخاذ تصمیم جهانی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر در همه زمینه‌ها تبدیل شد. کمیسیون مواد مخدر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد (CND) مأموریت یافته بود تا پس از مشاوره با دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی نسبت به تشکیل کنفرانس و تهیه پیش‌نویس جامعی در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان اقدام نماید.^۱

در این کنفرانس همه نهادهای تخصصی سازمان ملل، ۲۰ سازمان بین‌الدولی و حدود ۲۰۰ سازمان غیردولتی شرکت نمودند. کنفرانس با این دید که قاچاق مواد مخدر یک جرم بین‌المللی است، استعمال و قاچاق مواد مخدر را فعالیت مجرمانه بین‌المللی و هم‌تراز با تجارت غیرقانونی اسلحه و اعمال تروریستی دانسته و آن را تهدیدی بر رفاه، تثبیت نهادهای دموکراتیک و حاکمیت کشورها تلقی کرده است. نماینده ایکائو، که به عنوان ناظر در کنفرانس حضور داشت، در افتتاحیه کنفرانس نطقی در مورد نقش ایکائو در مبارزه با قاچاق مواد مخدر ایراد نمود.^۲ به دنبال این رایزنی‌ها، کنفرانس، «اعلامیه جهانی مربوط به سوءاستفاده از مواد مخدر و حمل و نقل غیرقانونی آن» را تصویب نمود.^۳

علاوه بر آن، کنفرانس به اجماع، متنی را که حاوی سرفصل‌های برنامه‌ای جامع راجع به فعالیتهای آتی در زمینه کنترل سوء استفاده از مواد مخدر بود، تصویب نمود که در اینجا به اختصار «طرح جامع کنترل مواد مخدر» نامیده خواهد شد.^۴ این سند حاوی

1. UN, Economic and Social Commission on Narcotic Drugs, Preparatory Body: Report of the First Session 17-21 February 1986, A/CONF. 133/PC/10 (May 7 1987).

2. International Conference on Drug Abuse and Illicit Trafficking, ICAO Council President's Memorandum E2/2.7 (May 28, 1987).

3. United Nations International Conference on Drug Abuse and Illicit Trafficking, A/CONF. 133/12 (June 27, 1987) 88-91.

4. Ibid, at 87.

فهرستی از توصیه‌نامه‌هایی است که مخاطب آن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است و در آن ضوابط علمی مناسب برای به‌کارگیری در سطح ملی (توسط دولتها، انجمن‌های تخصصی، مؤسسات دانشگاهی، سازمانهای غیردولتی، جوامع و افراد)، در سطح منطقه‌ای (توسط سازمانهای منطقه‌ای و دولتی و غیردولتی) و در سطح بین‌المللی توسط سازمانهای بین‌المللی، به ویژه سازمانهای وابسته به تشکیلات سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است. چهار فصل از «طرح جامع کنترل مواد مخدر» به جلوگیری از تقاضای غیرقانونی برای مواد مخدر و مواد روان‌گردان، کنترل تهیه، مبارزه با حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر و (بالاخره) معالجه و بهسازی مربوط می‌باشد. هر فصل، اهداف مشخصی را در نظر گرفته، اعمالی را که می‌بایستی در سطوح مختلف دنبال شوند، تعریف می‌کند. در مجموع «طرح جامع کنترل مواد مخدر»، ۳۵ هدف را برمی‌شمارد. بنا بر این نبوده است که «طرح جامع کنترل مواد مخدر» یک سند حقوقی رسمی باشد؛ چراکه این سند، حقوق و تکالیفی که واجد خصیصه‌ای بین‌المللی باشد، ایجاد نمی‌کند، بلکه مقصود این بوده است که «طرح جامع کنترل مواد مخدر»، دفترچه راهنمایی باشد که مقامات ملی و سازمانهای بین‌المللی به عنوان مرجع و منبعی بدان مراجعه کنند و توصیه‌های آن را به کار بندند.

مقارن جنگ جهانی دوم، در زمانی که ترافیک هوایی در سطح بین‌المللی به سرعت گسترش پیدا می‌کرد، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) ایجاد گردید که هنوز هم نقش اصلی را در حل و فصل اختلافات هوایی دارد.

ایکائو پس از تأسیس به یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد تبدیل شد که امور روزانه آن به وسیله شورای ایکائو اداره می‌شود. شورای ایکائو وظایف متعددی از قبیل حقوقی، فنی و اقتصادی بر عهده دارد. این شورا که ۳۳ عضو دارد، تحت نظارت مجمع عمومی سازمان انجام وظیفه می‌کند. ایکائو یک کمیته حقوقی نیز دارد که وظیفه آن آماده سازی و پیش‌نویس عهدنامه‌های حقوق هوایی و ارائه آنها به

کنفرانس دیپلماتیک برای تصویب نهایی است.

ایکائو به دعوت سازمان ملل برای تلاش در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر پاسخ مثبت داده و ضمن اذعان به اینکه مبارزه با قاچاق مواد مخدر در صلاحیت سازمان است، اعلام نمود که کمیسیون هوانوردی (ANC) فعالیت‌هایی را در این زمینه انجام خواهد داد. ایکائو در پاسخ خود همچنین اعلام نمود که اساسنامه^۱ و ضمایم معاهده هواپیمایی کشوری بین‌المللی منعقد در شیکاگو (در سال ۱۹۴۴) حاوی مقرراتی است که به ممنوعیت استعمال مواد مخدر و مواد روان‌گردان و حمل غیرقانونی آنها و به علاوه اقدامات بازدارنده‌ای مربوط می‌شود که می‌باید در زمینه هوانوردی اعمال گردد. ایکائو همچنین اظهار داشت که امکان مطالعه موضوع و توسعه و تدوین مقررات ویژه‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله پزشکی و تأمین امنیت هوایی و بخصوص حقوق بین‌الملل وجود دارد. اجلاس بیست و ششم مجمع عمومی ایکائو در اکتبر ۱۹۸۶ از شورای ایکائو خواست موضوع قاچاق مواد مخدر را به طور جدی پیگیری و سریباً نقش ایکائو را در مبارزه با استعمال و قاچاق مواد مخدر بررسی و گزارشی به اجلاس بعدی (۱۹۸۹) ارائه کند.^۲

الف) اقدامات ایکائو در زمینه «طرح جامع کنترل مواد مخدر» مصوب سال ۱۹۸۷
کنفرانس سازمان ملل متحد

فعالیت‌های بعدی ایکائو بر نتایج کنفرانس ملل متحد در زمینه استعمال و قاچاق مواد مخدر متمرکز شده است؛ لذا بررسی فعالیت‌های کنفرانس مزبور در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مطالعه دیدگاه‌های آن موضوع را روشن‌تر خواهد کرد. شورای ایکائو، نتایج کنفرانس ملل متحد را در این زمینه بر پایه گزارشی که دبیرکل

1. Chicago Convention, 1994, ICAO DOC. 7300/6, 15 UNT 56605.

2. The Role of ICAO in the Suppression of Illicite Transport of Narcotic Drugs by Air, ICAO Assembly Res. A26-12 (1986).

تهیه و ارائه نمود^۱، مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که اهداف شماره ۴، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ از اهداف برشمرده در «طرح جامع کنترل مواد مخدر» در بردارنده عناصری است که در قلمرو صلاحیت ایکائو می‌باشد و می‌باید در پرتو روح قطعنامه شماره ۱۲-۲۶^۲ مصوب مجمع عمومی ایکائو پیگیری گردد. هدف شماره ۴ به ممانعت از استعمال مواد مخدر در محل کار و اهداف شماره ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ حسب مورد به جلوگیری از قاچاق مواد مخدر مربوط می‌باشند. موضوعات آنها به ترتیب عبارتند از: کنترل شدید حمل و نقل در نقاط رسمی ورود به کشور، نظارت بر خشکی و آب و هوا در نزدیکی مرزها، کنترل پست بین‌المللی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و کنترل کشتیها در آبهای آزاد و هواپیماها در فضای بین‌المللی.

اعلامیه مزبور، با توجه به اینکه بیانگر اراده سیاسی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس می‌باشد، دولتها را برای انجام اقدامات بین‌المللی در جهت مبارزه با سوء استفاده از مواد مخدر و حمل و نقل غیرقانونی آن و تنظیم سیاست‌های خود در جهت توسعه همکاری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای نیل به تحقق یک جامعه بین‌المللی عاری از سوء استفاده از مواد مخدر تشویق و ترغیب می‌نماید.

هدف چهارم «طرح جامع کنترل مواد مخدر» بر استعمال احتمالی مواد مخدر در مشاغل حساس تأکید می‌نماید که ممکن است به فجایعی هولناک بینجامد. در کنفرانس وین اکثر سخنرانانی که به طور خاص به این مطلب پرداختند، برای ارائه نمونه‌های برجسته از مشاغل حساس به خلبانان و کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی اشاره نمودند.

مطالب دیگری که برای شورای ایکائو اهمیت دارد، جنبه‌های خاص حمل و نقل مواد مخدر است. حمل و نقل هوایی وسیله‌ای است که بخشی از حمل و نقل بین‌المللی مواد مخدر به وسیله آن صورت می‌گیرد. اگرچه در موارد عدیده‌ای داروهای غیرقانونی

1. The UN International Conference on Drug Abuse and Illicit Trafficking and the Further Work by ICAO, ICAO Doc. C-WP/8466 (Oct. 4, 1987).

2. The UN International Conference on Drug Abuse and Illicit Trafficking and the Further Work by ICAO, ICAO Doc, C-Mins. 122/11 (Feb. 23, 1988) and 122/12 (Feb. 19, 1988).

و مواد مخدر در فرودگاههای بین‌المللی کشف و ضبط شده است، اما مقدار آن معمولاً اندک بوده است. در حالی که از وسایط دیگر حمل و نقل، نظیر کامیونها و کشتی‌ها معمولاً مقادیر زیاد، حتی گاهی چندین تن مواد مخدر ضبط و توقیف گردیده است.^۱ مطابق آمار «کمسیون سازمان ملل متحد در زمینه مواد مخدر»، ۳۱٪ تعداد موارد توقیف شده مربوط به حمل و نقل هوایی می‌باشد. درصد بالای موارد ضبط مواد مخدر در حمل و نقل هوایی دلیل بر این نیست که درصد بالایی از مواد مخدر از طریق هوا حمل می‌شود؛ زیرا حجم مواد مخدر حمل شده در هواپیما در هر مرحله به مراتب کمتر از حمل آن به وسیله کامیون و دیگر وسایل زمینی است؛ برعکس، این آمار می‌تواند بیانگر هشباری و دقیق بودن معیارهای امنیتی در قلمرو هوانوردی باشد. باید اذعان داشت که بالا بودن معیارهای امنیتی در حمل و نقل هوایی، بخصوص معیارهای امنیتی شدید در فرودگاههای بین‌المللی که شامل تفتیش مسافران و بار آنها از طریق تلویزیون مدار بسته می‌باشد به مبارزه با حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر از طریق هوا کمک کرده است.^۲

در قلمرو حقوق بین‌الملل مسایل حقوقی زیر باید مورد مطالعه قرار گیرند:

(اول) آیا نیازی به وضع مقررات حقوقی بین‌المللی برای جلوگیری از استعمال مواد مخدر به وسیله خدمه هواپیماهای مسافربری و کارکنانی که مسئول تأمین امنیت هواپیماهای کشوری هستند وجود دارد؟

(دوم) آیا نیازی به وضع مقررات بین‌المللی برای جلوگیری و مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان از طریق هوا وجود دارد؟

(سوم) آیا معاهده مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان^۳ به طور رضایت بخشی همه مشکلات مربوط به قاچاق این‌گونه مواد را از طریق هوا حل کرده است؟^۴

1. Statistics are available in RCMP, Monthly Digest of Drug International Trends (Ottawa: RCMP Strategic Intelligence Branch); distribution restricted.

2. Milde, op. cit. at 138.

3. Ibid.

4. Milde, op. cit. at 140.

ب) استعمال مواد مخدر توسط خدمه هواپیما در محل کار

علی‌رغم پیشرفت‌های فنی و تکنولوژی، باز هم انسان، عنصر اصلی و اساسی تأمین امنیت در هواپیماست و مسئولیت حفظ جان صدها انسان و مقادیر زیادی اموال ارزشمند را به عهده دارد. همه کسانی که در فعالیت هوانوردی غیرنظامی (شامل خدمه پرواز، اشخاص حاضر در کابین، کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی، مکانیک‌ها و کپادر امنیتی) مشغول هستند باید، ضمن برخورداری از بالاترین درجه تخصص، تلاش کنند تکالیف خود را به نحو احسن انجام دهند. بدین جهت هر شغلی که مستقیماً به کارکرد هواپیما مربوط شود، در معنای هدف شماره ۴ و طرح جامع کنترل مواد مخدر، یک شغل حساس محسوب می‌گردد.

پذیرفتنی نیست که خلبانی که صدها مسافر را حمل می‌کند یا مسئول کنترل ترافیکی که تفکیک چندین هواپیما با وی می‌باشد، هنگام انجام وظیفه تحت تأثیر داروهای مخدر یا مواد روان‌گردان باشد. همین حساسیت در مورد تکنسین‌های مسئول نگهداری هواپیما (که کارکرد مطمئن هواپیما به کار آنها وابسته است و باید برای مقابله با هرگونه وضعیت اضطراری آماده باشند) و پرسنل امنیتی (که موظف به جلوگیری از ارتکاب جرم هستند) صادق است. استعمال مواد مخدر یا مواد روان‌گردان به درجات مختلف به ذهنت، تشخیص و واکنش افراد، نه فقط در حین مصرف بلکه برای مدت قابل ملاحظه‌ای پس از استعمال، لطمه می‌زند و امکان انجام وظیفه را از آنان سلب می‌کند؛ لذا چنانکه هدف، جلب اعتماد مردم باشد استعمال مواد مخدر باید به طور مطلق در هوانوردی غیرنظامی ممنوع شود.

تردید وجود ندارد که شاغلان در مشاغل حساس هوانوردی نباید از مواد مخدر استفاده کنند. اما هنوز موافقت‌نامه بدون مناقشه‌ای در این باره به تصویب نرسیده است؛ لذا در حال حاضر یک معضل واقعی وجود دارد که باید بدون تأخیر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. این موضوع در کمیسیون هوانوردی ایکائو مورد بررسی قرار گرفت. اعضای کمیسیون همگی اتفاق نظر داشتند که مردم حق دارند از کارکنان و متخصصان

پرواز بخواهند که پرواز هواپیما در محیطی عاری از مواد مخدر صورت گیرد.^۱ در زمان بررسی این طرح، مخالفانی هم وجود داشت. ناظران فدراسیون بین‌المللی انجمن خلبانان خطوط هوایی (IFALPA) و اتحادیه حمل و نقل هوایی بین‌المللی (IATA) در جلسات کمپسیون هوانوردی ایکائو از عملکرد ایکائو در مورد هدف شماره ۴ «طرح جامع کنترل مواد مخدر» انتقاد کردند. به نظر آنان هدف شماره ۴ که کاملاً به جلوگیری از استعمال مواد مخدر در محل کار مربوط می‌شود، چرا باید در خصوص حمل و نقل هوایی و در مورد کنترل کنندگان ترافیک هوایی و خدمه پرواز اعمال گردد؟ به نظر آنان، همچنانکه نمایندگان بسیاری از دولت‌ها و متخصصان آنها در ایکائو اعلام کرده بودند، در بسیاری از کشورها مشکل عمده‌ای به نام استفاده از مواد مخدر توسط کنترل‌کننده‌های ترافیک هوایی وجود ندارد.^۲

از طرف دیگر در بعضی از کشورها، موضوع جدی گرفته شده است. انجمن هوایی فدرال آمریکا^۳ برای اعمال مقرراتی برای کنترل استعمال مواد مخدر و الکل توسط اشخاصی که در فعالیت‌های هواپیمایی مشغول به کار هستند تلاش کرده است.^۴ این کنترل، اعمال آزمایش‌های مواد مخدر را بر روی نمونه‌هایی تصادفی از کارکنان دولتی شامل می‌گردد. البته این مورد از این نظر که «دخالت در امور خصوصی افراد» تلقی می‌شود ممکن است مورد انتقاد قرار گیرد یا گفته شود که مخالف مقررات حقوق بشر است. ایراد دیگر حقوقدانان، مربوط به موضوع اجرای فرا سرزمینی قوانین داخلی آمریکا است. چراکه این مقررات همه کارکنان خطوط هوایی داخلی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. با عنایت به معاهده شیکاگو، این بحث قابل دفاع نیست. مطابق ماده ۱ این معاهده، کشورهای عضو معاهده حق حاکمیت تام و مطلق هر یک از کشورهای عضو معاهده را نسبت به فضای هوایی آن کشور به رسمیت می‌شناسند. ماده ۱۱ اشعار می‌دارد:

1. ICAO Doc. Draft AN-WP/6182, par. 3.1. (March, 10, 1988).

2. ICAO Doc. Draft AN-Min. 118. (May 31, 1988 par. 3 & 4).

3. US Federal Aviation Administration.

4. FAA 14 CFR. part 91.

«با در نظر گرفتن مفاد و شرایط این معاهده، قوانین و مقررات یک کشور عضو معاهده در خصوص ورود هواپیمایی که در سرویس هوانوردی بین‌المللی اشتغال دارد به داخل کشور یا خروج از آن و یا قوانین و مقررات مربوط به بهره‌برداری و هوانوردی هواپیما مادامی که در داخل خاک آن کشور می‌باشد، باید در مورد هواپیماهای همه کشورهای امضاءکننده این معاهده، بدون تبعیض در ملت آنها اعمال گردد و هواپیماها باید در موقع عزیمت و مادامی که در داخل خاک آن کشور می‌باشند، از قوانین و مقررات مزبور پیروی کنند.»

همچنین مطابق ماده ۱۳ «قوانین و مقررات یک کشور عضو معاهده، راجع به ورود و خروج مسافران و کارکنان یا بار هواپیما از قبیل مقرراتی که به ورود، ترخیص، مهاجرت، گذرنامه، گمرک و قرنطینه مربوط می‌شود و همچنین در مورد کالاهای هواپیما به مجرد ورود به آن کشور و خروج از آن یا هر موقعی که در خاک آن کشور می‌باشد از طرف مسافران و کارکنان هواپیما لازم الاجراست.»

رئیس کمیسیون هوانوردی ایکائو در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۸ در گزارشی شفاهی که به شورا ارائه نمود اظهار داشت «در بررسی موضوع، کمیسیون نتوانست در مورد وجود معضل مواد مخدر در هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی به قطعیتی برسد که اقدام به وضع مقررات خاصی را الزام کند از طرف دیگر کمیسیون هوانوردی اعلام نمود که ایکائو باید خود را برای مواجهه با مشکل مواد مخدر که همواره امکان بروز دارد آماده کند که در این موضوع پیشگیری بهتر از معالجه است.»^۱

چنین عقیده‌ای منطقی و قابل توجیه نیست. نباید بدون هرگونه برخوردی با موضوع، صبر کرد تا در نتیجه حمل یا استفاده از مواد مخدر فاجعه بزرگی روی دهد، آنگاه با سراسیمگی به مقابله با مشکل شتافت. پاسخ مناسب به هدف شماره ۴ «طرح جامع کنترل مواد مخدر» انجام اقدامات لازم برای برخورد با استعمال مواد مخدر در محل کار خواهد بود.

1. Verbatim Record, 124th Session of the ICAO Council (June 30, 1988).

آیا واقعاً مسئله خاصی به نام استعمال مواد مخدر به وسیله خدمه هواپیما وجود دارد؟ علت اینکه در هواپیماهای تجاری، هیچ گزارشی از حادثه کشنده‌ای که مواد مخدر عامل اصلی وقوع آن باشد داده نشده است، شاید بدین دلیل باشد که برای یافتن عامل حادثه به این زمینه توجه نشده است. در خصوص هواپیمای عمومی می‌توان به آمار آمریکا اشاره کرد که بیانگر وجود تلفات ناشی از استعمال مواد مخدر به وسیله خدمه هواپیما می‌باشد. از ۴۲۷۶ خلبانی که طی سالهای ۱۹۷۶ لغایت ۱۹۸۶ در حوادث جان سپرده‌اند، ۵۰ مورد، یا به عبارت دیگر ۱/۴۲٪ از آنها به علت استعمال مواد مخدر دچار حادثه شده‌اند.^۱ این آمار و ارقام نمی‌تواند به عنوان یک نتیجه دقیق تلقی شود. یک آزمایش مربوط به مواد مخدر که بدون اطلاع قبلی از خلبانان و مکانیسین‌ها گرفته شده، نشان داد که ۲/۵ درصد از خلبانان و ۴ درصد از مکانیسین‌های هواپیمایی آلوده به مواد مخدر بوده‌اند. از آنجا که این آمار فقط از ۱۸۰ خلبان و ۲۴۰ مکانیسین گرفته شد، نمی‌توان از لحاظ آماری آن را معتبر شمرد،^۲ ولی در عین حال بی‌اهمیت شمردن و بیهوده پنداشتن وضع و اعمال مقررات علیه استفاده خدمه هواپیما از مواد مخدر نیز کاملاً اشتباه است. متخصصان هوایی در حوزه هواپیمایی کشوری، همچون دیگران در معرض فشار و تأثیرات اجتماعی هستند. آنها نیز همانند هر بخش دیگر جامعه، اگر چه امکان دارد به واسطه موقعیت اجتماعی و مسئولیتشان از استعمال مواد مخدر امتناع کنند، در معرض خطرات ناشی از مواد مخدر بوده، از استعمال آن مصون نیستند. باید پذیرفت که احتمال استعمال مواد مخدر توسط خدمه هوانوردی متفی نیست.

با عنایت به این مراتب، این سؤال مطرح می‌شود که آیا برای بررسی و وضع مقررات برای مبارزه با استعمال مواد مخدر نیازی به ارجاع امر به ایکائو وجود دارد؟ آیا تاکنون ایکائو مقرراتی راجع به استعمال مواد مخدر توسط کارکنان خطوط هوایی تصویب کرده است؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، آیا مقررات موجود نگرانی‌ها را رفع

1. Milde, op. cit. at 140.

2. Ibid.

می‌کنند. ضمیمه یک^۱ معاهده شیکاگو شامل استاندارد ۱/۲/۶/۱ می‌باشد که بر اساس آن دارنده گواهینامه هنگامی که آمادگی جسمانی لازم را برای انجام وظایف خود نداشته باشد، نباید از آن استفاده کند. توصیه‌نامه ۱/۲/۶/۱/۱ از همه کشورهای متعاقد می‌خواهد تا در حد امکان اطمینان حاصل کنند که دارندگان گواهینامه خلبانی، هنگامی که توانایی جسمانی لازم را برای استفاده از آن گواهینامه ندارند یا دارای ضعفی هستند که مانع ادای وظیفه می‌شود، از امتیاز گواهینامه مزبور استفاده نمی‌کنند.

استاندارد ۶/۲/۲ مربوط به شرایط جسمانی متقاضیان اخذ گواهینامه یا تمدید آن می‌باشد. بنا بر استاندارد مذکور متقاضیان نباید دارای هیچ گونه ضعف مزاجی، از قبیل ناتوانی بالقوه و بالفعل، عودکننده یا دوره‌ای باشند که به انجام وظایف مربوط به هواپیما خلی وارد آورد. مطابق استانداردهای ۶/۳/۲/۲ (که مربوط به صدور گواهی صحت مزاج درجه یک برای متقاضیان گواهینامه ناوبری هوایی و مهندسی پرواز است) و ۶/۴/۲/۲ (که مربوط به صدور گواهی صحت مزاج درجه دو برای گواهینامه خلبانی هواپیماهای خصوصی، هواپیماهای بدون موتور و گواهینامه بالونهای بدون خلبان و گواهینامه اپرانوری رادیوی پرواز است) و ۶/۵/۲/۲ (که مربوط به صدور گواهی صحت مزاج درجه ۳ برای گواهینامه کنترل ترافیک هوایی است) متقاضی نباید سابقه بیماری یا بستری شدن ناشی از الکل، اعتیاد به مواد مخدر و غیره داشته باشد که امکان دارد توانایی متقاضی را در استفاده مطمئن و بی خطر از گواهینامه‌ای که تقاضا کرده یا در دست دارد تحت تأثیر قرار دهد.

استاندارد ۲/۵ ضمیمه دو معاهده شیکاگو^۲ در خصوص استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر مقرر می‌دارد که هدایت هواپیما یا خدمت در آن به عنوان خدمه پرواز تحت تأثیر مشروبات الکلی یا مواد مخدر یا داروی روان‌گردان ممنوع است.

1. Annex 1 to the Convention on International Civil Aviation, 7th ed. (Montreal: ICAO, Sept. 1982).

2. Annex 2 to the Convention on International Civil Aviation, 8th ed. (Montreal: ICAO, July, 1986).

بخش دوم ضمیمه ۶ معاهده شیکاگو^۱ در استاندارد ۴/۲ که به آمادگی خدمه پرواز مربوط است، إشعار می‌دارد که اولاً در صورت ناتوانی هر یک از اعضای خدمه پرواز به دلایل مصدومیت، بیماری، خستگی، تأثیر الکل یا مواد مخدر و غیره، خلبان باید از انجام پرواز خودداری کند و ثانیاً، در صورتی که توانایی اعضای خدمه پرواز به واسطه خستگی، بیماری، یا کمبود اکسیژن، کاهش یافته باشد هواپیما را در نزدیکترین محل، فرود آورد. برای ملاحظه جزئیات بیشتر و منبع مفصل‌تر می‌توان به جزوه پزشکی هوانوردی غیر نظامی، که قانوناً الزام آور نیست، مراجعه کرد. در نتیجه می‌توان گفت که در حال حاضر مقررات قابل توجهی وجود دارد که به استعمال مواد مخدر مربوط است، ولی با توجه به نگرانی روزافزون جامعه بین‌المللی از استعمال و قاچاق مواد مخدر که در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه کنفرانس ملل متحد راجع به استعمال و قاچاق مواد مخدر و «طرح جامع کنترل مواد مخدر» منعکس است، مقررات موجود را نمی‌توان به عنوان مقرراتی که به هدف ایجاد محیط عاری از مواد مخدر در هوانوردی غیر نظامی، جامعه عمل پیوشاند، کافی تلقی کرد.

مقررات ایکائو دارای ضعفها و محدودیت‌هایی است که به شرح ذیل می‌توان درباره آنها سخن گفت. مقررات موجود تنها به خلبانان، خدمه پرواز و کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی که باید دارای گواهینامه ویژه‌ای باشند مربوط است. مقررات مزبور، کارکنان شاغل دیگر در نقاط مهم مربوط به پرواز را مانند مکانیسم‌ها، اشخاص حاضر در کابین خلبان یا کارکنان امنیتی در بر نمی‌گیرد. ضمناً آزمایش پزشکی محدود به قبل از زمان صدور پروانه یا تمدید آن است و ایام دیگر مثلاً متعاقب یک حادثه یا سانحه هوایی یا وجود احتمال یا ظن استعمال آن را به وسیله اشخاص مزبور شامل نمی‌گردد. از طرف دیگر استاندارد ۵/۲ ضمیمه دو و استاندارد ۴/۱۲ از بخش دو ضمیمه ۶ فاقد ضمانت اجرایی هستند. مقررات، در صورتی که ضمانت اجرایی نداشته باشند احتمال دارد بی‌اثر و فراموش شوند.

1. Annex 6 to the Convention on International Civil Aviation, 3d ed. (Montreal: ICAO, Sept. 1983) part II-International General Aviation-Acroplanes.

مورد آزمایش قرار گرفتن افراد، بی تردید در جلوگیری از مصرف مواد مخدر اقدامی بازدارنده می باشد. آزمایش اجباری کارکنان هواپیمایی به نظر عده‌ای، یک راه حل و درمان از دیدگاه گروهی دیگر امری غیر معقول و غیر مطلوب شمرده می شود. گذشته از بحث‌های مختلف در خصوص جنبه‌های احساسی و اخلاقی راجع به برنامه‌های آزمایشی مواد مخدر، مباحث حقوقی مهمی در این قضیه مطرح می گردد. در حال حاضر در هیچ کشوری قانون روشنی وضع نگردیده است که آزمایش اجباری کارکنان هواپیمایی کشوری را نسبت به مواد مخدر مجاز بدانند. آیا ضرورت دارد ایکائو به وضع مقررات بین‌المللی در خصوص لزوم این آزمایشها اقدام کند. با توجه به اینکه تاکنون کشورها درباره لزوم و احتمال موفقیت و مطلوبیت چنین مقرراتی علاقه‌ای نشان نداده و در حقوق داخلی خود مقرراتی در این زمینه وضع ننموده‌اند و آثار اجتماعی و اجرای عملی این گونه مقررات تجزیه و تحلیل نگردیده و برنامه‌ای هم برای آینده نزدیک طرح‌ریزی نشده است، به نظر می رسد این چنین اقدامی از طرف ایکائو، اثرات مثبت قابل توجهی نداشته باشد. البته این نظر، بدان معنی نیست که ایکائو باید از مطالعه موضوع و یا از تجهیز و ترغیب نظر کشورها خودداری کند. مشکلات عملی نیز وجود دارد که می باید پیش از وضع مقررات حل شوند. استانداردی وجود ندارد که نشان دهد چه درجه‌ای از تأثیر مواد مخدر در بدن به عنوان حد نشسته کننده یا صدمه زننده به شعور تلقی می گردد. شاید لازم باشد سازمان بهداشت جهانی این گونه استانداردها را برای مواد مخدر که دارای کاربرد جهانی است وضع کند. به علاوه، از نظر فنی، روش عملی و جهانشمولی برای آزمایش نمونه‌ها و موارد مختلف آن تبیین نگردیده است. می توان گفت آزمایشهای فعلی به قدری که بتوان به آنها اعتماد نمود حساس نیستند. موارد خطای گزارش شده از نتایج نمونه‌های مورد آزمایش (مثبت یا منفی یا هر دو) اعتبار آنها را زیر سؤال برده است.^۱ در موارد بسیاری، به نظر می رسد نتایج آزمایشهای تصویری اولیه پایه (آزمایشهای رادیوایمونو و آزمایشهای آنزیمی)

1. Task: Prevention of Drug Abuse by Flight Crew Members, ICAO Doc, AN-WP/6201 (May 3, 1986) par. 3.1.

صحیح باشند، در حالی که حقیقت برخلاف آن است و این آزمایشها باید با آزمایشهای تأییدکننده دیگری (همچون رنگ‌شناسی گازهای دهان و طیف‌سنجی وسیع و گسترده) که دقیق‌تر هستند، همراه شوند. این آزمایشها پر هزینه هستند و در صورتی که نتایج آزمایش نادرست باشد، به مظلونیت غیرموجه علیه اعضای خدمه پرواز خواهد انجامید. حتی در صورتی که آزمایشهای بعدی حقایق را روشن کند و عدم وجود مواد مخدر را در فرد تأیید کند اثرات منفی و سرخوردگی اجتماعی ناشی از اشتباه در آزمایشهای قبلی همچنان باقی مانده، اعتبار آزمایشهای مواد مخدر را خدشه‌دار خواهد کرد. علت دیگری که ایکائو را در وضع مقررات اجباری با مانع مواجه می‌سازد، گرانی و پرهزینه بودن تجهیزات آزمایشگاهی است که احتمالاً در عمل باعث مشکلاتی خواهد شد و مخالفت کشورها را در پی خواهد داشت.

افکار و عقاید متفاوت در مورد طرح آزمایش مواد مخدر در قلمرو هوانوردی را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

۱) انجام آزمایشهای پزشکی قبل از استخدام خلبانها و خدمه و کارکنان پرواز از لحاظ قانونی مشکلی ایجاد نمی‌کند و حتی بخشی از مقررات موجود در ضمیمه یکم معاهده شیکاگو بدان اختصاص داده شده است.

۲) پس از وقوع حادثه هوایی انجام آزمایش جزو مقررات نیست، ولی به نظر می‌رسد علی‌رغم پرهزینه بودن، ارزش آن را داشته باشد.

۳) در مواردی که دلیل موجهی برای مظلونیت استعمال مواد مخدر به وسیله خدمه هواپیما، وجود دارد، انجام آزمایش به طور تصادفی نقش مؤثری در جلوگیری از استعمال مواد مخدر خواهد داشت.

مورد اخیر در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی با مخالفت‌های شدید مواجه شده است. مسلماً در صورت ناتوانی کشورها در قبول و اجرای مقررات بین‌المللی در قلمرو داخلی خود، وضع و اجرای آنها غیرممکن است.^۱

مشورت‌های گسترده‌ای که از طریق دبیرخانهٔ ایکائو^۱ با کشورهای مختلف انجام گرفته، نشان می‌دهد که کشورها از طرح اجباری آزمایش تشخیص مواد مخدر که بر پایهٔ ظن و یا به طور تصادفی در میان کارکنان هوانوردی صورت بپذیرد، حمایت نمی‌کنند. کمیسیون هوانوردی ایکائو می‌توانست قبل از اعلام مخالفت کشورها و داغ شدن بحثها، وضع مقرراتی را پیشنهاد نماید اما متأسفانه کمیسیون با تعلق در ارائه پیشنهاد، فرصت طرح استانداردهای بین‌المللی را که مشکلات حقوقی و اخلاقی به بار نیاورد، از دست داد.

ضمیمهٔ شمارهٔ ۱۳ معاهدهٔ ایکائو^۲ که به تحقیق در مورد وقوع سانحهٔ هوایی مربوط است، در بند ۵/۹ در خصوص کالبد شکافی، متضمن توصیه‌ای بدین شرح می‌باشد: «کشوری که به امر تحقیق در یک سانحه هوایی مبادرت می‌کند، باید بسته به شرایط خاص به وجود آمده، از کالبد شکافی درونی توسط آسیب‌شناسان مجرب حمایت کند».

چنانچه این توصیه‌نامه اصلاح و مقرر شود که کالبد شکافی داخلی شامل آزمایشهای تشخیص مواد مخدر یا داروهای روانگردان خواهد بود، مشکلی از نظر قانونی پیش نخواهد آمد. وجود چنین مقرراتی مطمئناً نقش بازدارنده‌ای در استعمال مواد مخدر به وسیلهٔ خدمه و خلبان هواپیما خواهد داشت؛ زیرا که مطابق هیچ بیمه‌نامه‌ای، به بازماندگان خلبانی که در نتیجه استعمال مواد مخدر دچار حادثه شده باشد، غرامتی پرداخت نمی‌شود. علاوه بر آن، متصدیان حمل و نقل هوایی نخواهند توانست به محدودیت مسئولیت خود، در برابر مسافران و کالای آنها که مطابق معاهدهٔ ورشو مقرر شده است، استناد نمایند. وجود آثار مواد مخدر در فرد در ارادهٔ وی تأثیر خواهد داشت و متصدیان حمل و نقل هوایی را که برای رهایی از مسئولیت می‌توانند به عدم تقصیر خود استناد نمایند، از امتیاز مقرر در مادهٔ ۲۲ معاهده دربارهٔ یکسان کردن برخی

1. ANC Task No. MED-8801: Prevention of Drug Abuse by Flight Crew Members and Air Traffic Controllers in the Workplace" in ICAO Docs. C-WP/8466.

2. Annex 13 to the Convention on International Civil Aviation, 7th ed. (Montreal: ICAO, 1988).

از مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی (معاهده ورشو ۱۹۲۹) محروم خواهد ساخت. ^۱ مطابق ماده ۱۰ این معاهده در صورتی که متصدی حمل و نقل ثابت کند که خود و عاملان او تدابیر لازم را برای جلوگیری از بروز خسارت اتخاذ نموده‌اند یا اتخاذ چنین تدابیری برای او و عاملانش مقدور نبوده است، مسئول نخواهد بود. ^۲ لذا نتیجه منطقی این وضع، آن است که متصدیان حمل و نقل هوایی برای جلوگیری از مصرف مواد مخدر توسط خدمه پرواز و دیگر کارکنان هواپیمایی احتیاط کافی به عمل آورند. این گام در وضع مقررات بین‌المللی می‌تواند به تدریج گسترش یابد تا آزمایش مواد مخدر را در مورد خدمه پرواز و همه کارکنان هواپیمایی مرتبط با هوانوردی، پس از

۱- ماده ۲۲ معاهده ورشو:

(۱) - در مورد حمل مسافر، مسئولیت متصدی حمل و نقل برای هر مسافر به مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار فرانک محدود می‌گردد. هرگاه دادگاهی که به فقیه رسیدگی می‌کند، طبق قانون خود رأی دهد که خسارت به اقساط پرداخت شود، مجموع اقساط مزبور نباید از ۱۲۵۰۰۰ فرانک تجاوز نماید، مع الوصف با انعقاد قرارداد مخصوص بین متصدی حمل و نقل و مسافر می‌توان حدود مسئولیت بیشتری را توافق نمود.

(۲) - در مورد حمل لوازم شخصی ثبت شده یا حمل کالا - مسئولیت متصدی حمل و نقل در مورد هر کیلوگرم به مبلغ ۲۵۰ فرانک محدود می‌شود؛ مگر آنکه فرستنده هنگام تحویل بسته به متصدی حمل و نقل ارزش ویژه‌ای اظهار نموده و در صورت لزوم وجه اضافی پرداخته باشد. در این صورت متصدی حمل و نقل موظف به پرداخت مبلغی است که از میزان ارزش اظهار شده بیشتر نخواهد بود؛ مگر آنکه ثابت کند که مبلغ مزبور از ارزش واقعی کالا به هنگام تحویل توسط فرستنده بیشتر است.

(۳) - در مورد اشیایی که مسئولیت نگهداری آنها به عهده مسافر می‌باشد مسئولیت متصدی حمل و نقل از پنج هزار فرانک نسبت به هر مسافر تجاوز نمی‌کند.

(۴) - مبالغ مذکور در فوق برحسب فرانک محاسبه می‌شود که معادل ۶۵/۵ میلی‌گرم طلا با عیار نهمصد هزارم است. این مبلغ را می‌توان به هم ارز آن در هر پول رایج ملی تا نزدیکترین عدد صحیح (شیرکسری) تبدیل نمود.

۲- ماده ۲۵ معاهده ورشو:

(۱) - در صورتی که خسارت، ناشی از خلاف‌کاری عمدی یا خطای متصدی حمل و نقل باشد؛ به نحوی که خطای مزبور طبق قوانین دادگاه رسیدگی‌کننده معادل با خلاف‌کاری عمدی تلقی شود. متصدی حمل و نقل حق نخواهد داشت به مفاد معاهده حاضر که مسئولیت او را سلب یا محدود می‌کند، استناد نماید.

(۲) - همچنین در صورتی که خسارت به وسیله عاملان متصدی حمل و نقل که در حدود وظایف خود عمل می‌کنند، وارد گردد متصدی حمل و نقل از حق استفاده به مفاد معاهده حاضر محروم خواهد بود.

وقوع هر گونه حادثه یا سانحه هوایی، اجباری سازد. با توجه به اوضاع و احوال به نظر می‌رسد که افکار عمومی در کشورهای مختلف از قانونگذاری در خصوص آزمایش اجباری پس از وقوع حادثه استقبال کند. البته آزمایش تشخیص مواد مخدر در صورت وجود دلیل معقول مبتنی بر بدگمانی نسبت به استعمال مواد مخدر به وسیله کارکنان هواپیمایی، به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک مورد قبول مردم و دولت‌ها قرار گیرد؛ زیرا عنصر «بدگمانی» شرایط را برای سوءاستفاده مهیا می‌کند. وضع مقررات در خصوص «آزمایش باگزینش تصادفی» (یعنی در زمانهای مختلف به طور تصادفی از میان کارکنان، عده‌ای انتخاب و آزمایش‌های مربوط بر روی آنها انجام گیرد) با مخالفت شدیدی در بسیاری از کشورها روبرو شده است. عدم دخالت در مسایل خصوصی و زندگی شخصی افراد و حقوق بشر از عمده دلایل مخالفان این گونه آزمایش‌هاست.

یک استدلال مخالف می‌تواند بدین صورت مطرح گردد که مسافران هواپیما «حق دارند در شرایط امن» پرواز نمایند. مسافران، هواپیما را به دلیل سرعت و امنیت آن انتخاب می‌کنند. خطای محتمل انسانی که تحت تأثیر مواد مخدر صورت پذیرفته باشد «حق داشتن پرواز امن» را از آنان سلب می‌کند. چنین حقی ایجاب می‌کند که برای تأمین آن کارکنان هوانوردی مورد آزمایش قرار گیرند تا عامل تهدیدکننده امنیت برطرف گردد.^۱

ج) جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان به وسیله هواپیما

شمار قابل ملاحظه کشف مواد مخدر در فرودگاه‌های کشورهای مختلف، بیانگر آن است که قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان از طریق هواپیما، یکی از طرق موفق برای قاچاقچیان مواد مخدر محسوب می‌شود. بعضی از مواد مخدر گرانقیمت نظیر هروئین و کوکائین با هواپیما حمل و نقل می‌گردد. بخشی از این مواد از طریق

1. Milde. op. cit.

هواپیماهای خصوصی که به قاچاقچیان بین‌المللی تعلق دارند، مورد قاچاق قرار می‌گیرند.

به عنوان نمونه، می‌توان به کشف محموله ۴۰ میلیون دلاری کوکائین در فرودگاه تورنتو اشاره کرد. در مارس ۲۰۰۰، پلیس کانادا با کشف یک محموله کوکائین در فرودگاه تورنتو به ارزش ۱۰ میلیون دلار، چهار نفر از اعضای باندی را که در انتقال مواد مخدر در دفعات متعدد جمعاً به ارزش ۴۰ میلیون دلار به داخل کانادا دست داشتند، دستگیر کرد.^۱ نمونه قابل ذکر دیگر کشف مواد مخدر در فرودگاه مهرآباد تهران است. در سوم دی ماه ۱۳۷۹ مقدار ۹ کیلوگرم انواع مواد مخدر به همراه ۲۶ حقه وافور در فرودگاه مهرآباد تهران کشف شد. تعداد متهمان که ۲۴ نفر بودند، همه دستگیر شدند.^۲

قاچاق مواد مخدر به وسیله خدمه هواپیما نیز انجام می‌گیرد. به عنوان مثال، مسئول پرواز خط هوایی ونزوئلا، قسمتی از مرحله قاچاق هروئین و کوکائین از کلمبیا به آمریکا را - که اخیراً کشف شد - انجام می‌داد. مهمانداران و مسئولان پرواز کیسه‌های مواد مخدر را در لباس زیر خود مخفی می‌کردند. در این شبکه که به وسیله آمریکا کشف شد، ۱۷ نفر دستگیر شدند. این مواد مخدر از کلمبیا به ونزوئلا فرستاده می‌شد و از آنجا از طریق خط هوایی ونزوئلا از کاراکاس به فرودگاه بین‌المللی فلوریدا در میامی وارد می‌شد و سپس به نیویورک ارسال می‌گردید.^۳

جلوگیری از قاچاق مواد مخدر از طریق هواپیما با امنیت هواپیمایی کشوری مرتبط است. قاچاق مواد مخدر به وسیله هواپیمایی عمومی ۸۰٪ قاچاق مواد مخدر از طریق هوا را تشکیل می‌دهد.^۴ قاچاقچیان معمولاً به طرق ناامن و اغلب در مسیرهایی پایین‌تر از معمول، به طوری که بتوانند از دید رادارها مخفی بمانند، پرواز می‌کنند. آنان با هواپیما ربایی، اجاره هواپیما با مدارک جعلی و غیر واقعی، پرواز با گواهینامه‌های جعلی

1. The Iran Star, No. 302, Fri. March 10, 2000, P. 70.

۲- روزنامه هسپری، ۴ دیماه ۱۳۷۹.

3. CNN Report, Nov. 25, 1999.

4. ICAO Doc. C-WP/8246.

و بدون ثبت برنامه پرواز، خطر تصادم با دیگر هواپیماها را فراهم می‌آورند. آنان برای آنکه مورد شناسایی قرار نگیرند از برجسب‌های غیر واقعی بر روی بدنه هواپیما استفاده و از حمل یا به کارگیری فرستنده‌های راداری خودکار که بتواند به آسانی مورد شناسایی قرار گیرد، خودداری می‌کنند. آنان محموله غیر قانونی خود را بر روی زمین یا دریا پرتاب می‌کنند و مناطق حفاظت شده یا ممنوعه را محترم نمی‌شمارند.

در قلمرو هوانوردی تجاری، ارتباط میان مواد مخدر و امنیت هوانوردی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که این امر اهمیت چندانی نداشته باشد در حالی که واقعیت چیز دیگری است. آمار نشان می‌دهد که حدود ۶۶/۵٪ مواد مخدر کشف شده در هوانوردی، در چمدانهای مسافران جاسازی شده بوده، ۲۳/۱٪ در بدن مسافران (مانند جیبها، کیف دستی یا زیر لباس مسافران)، ۹/۲٪ در داخل بدن (مانند در معده) پنهان شده بوده و ۱/۲٪ در محل‌هایی از هواپیما که فقط برای کارکنان هواپیما قابل دسترسی بوده، حمل می‌شده است.^۱

موارد متعددی نیز مشاهده شده است که مواد مخدر در داخل قطعات حساس هواپیما جاسازی شده است. حمل و نقل مواد مخدر بدین طریق می‌تواند برای سلامت و امنیت هواپیما مضر باشد. از طرف دیگر نفتیش هواپیما برای یافتن مواد مخدر به وسیله افراد عادی و غیر متخصص می‌تواند قابلیت پرواز هواپیما را تحت تأثیر قرار دهد. بارها مشاهده شده است که مواد مخدر در قسمت‌های درونی دیواره هواپیما، بخش‌های مربوط به تجهیزات الکترونیکی و حتی در داخل ماسک اکسیژن، جاسازی شده است.^۲ آیا مقررات بین‌المللی در این زمینه وجود دارد که تا دولت‌ها را قادر به جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان نماید؟ آیا ایکنو اختیارات لازم برای مواجهه با این موضوع و اتخاذ شیوه‌ها و پیشنهاد راه‌حلی را برای مقابله با آن دارد؟ سازمان ملل متحد در موارد متعدد در اقدامات بین‌المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر^۳

1. "The Drug Problem", ICAO Doc. AN-WP/5918.

2. Ibid. Appendix A.

3. UN International Campaign Against Traffic in Drug.

مخصوصاً از نهادهای تخصصی سازمان ملل و همچنین سازمانهای مشابه درخواست کرده است فعالانه سیاست‌های بازدارنده قاچاق مواد مخدر را پیگیری و اجرا نمایند.^۱ علاوه بر آن، طبق توافقنامه سازمان ملل متحد و ایکائو^۲، ایکائو موظف به همکاری و تشریک مساعی در ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های خود و دیگر سازمان‌های مرتبط با سازمان ملل متحد است. ایکائو باید به توصیه‌ها و دستورالعمل‌های صادر شده از طرف سازمان ملل متحد توجه و آنها را اجرا کند. از سوی دیگر، معاهده شیکاگو که اساسنامه ایکائو هم می‌باشد به اندازه کافی متضمن اصولی است که به او اجازه می‌دهد مقررات و طرحهای پیشنهادی و اصول معینی را که جنبه بین‌المللی داشته و در کنترل قاچاق مواد مخدر مؤثر باشد، اتخاذ نماید. موادی از این معاهده که با موضوع مورد بحث ارتباط دارند، در ذیل ذکر می‌گردند.

قوانین و مقررات مربوط به هوانوردی در هر یک از کشورهای عضو معاهده شیکاگو باید، بدون تبعیض در ملت‌های هوایماها، در خصوص هوایماهایی که به آن کشور داخل و یا از آن کشور خارج می‌شوند و در مدت زمانی که در خاک آن کشور هستند، رعایت گردد.^۳ همچنین همه مسافران و کارکنان هوایما باید قوانین و مقررات قابل اجرای هر یک از کشورها را در خصوص ورود و خروج مسافران و کارکنان یا بار هوایما از قبیل مقررات مربوط به ورود، ترخیص، مهاجرت، گذرنامه، گمرک و قرنطینه رعایت کنند.^۴ مطابق ماده ۲۳ معاهده شیکاگو، هر یک از کشورهای عضو معاهده تعهد می‌کند که تا حد امکان مقرراتی را در مورد تشریفات گمرکی و مهاجرتی که در امور هوانوردی بین‌المللی تأثیر دارد طبق اصول و ترتیباتی که ممکن است در تعقیب این معاهده، در مواقع معینی پیشنهاد یا وضع شود، به موقع اجرا گذارد. همه کشورها باید مراقب باشند که هوایماهای آنان هنگامی که از فراز خاک کشوری عبور یا در داخل

1. UN Doc. A/RES/39/143.

2. Agreement between the UN and the ICAO, ICAO Doc. 7970 (entered into force may 31, 1948).

۳- همان، ماده ۱۲.

۴- ماده ۱۱ معاهده شیکاگو.

آن حرکت می‌کنند، مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به پرواز و حرکت هواپیما را که در آن کشور نافذ است، رعایت نمایند. ضمناً کشورها باید تلاش کنند حتی الامکان آیین‌نامه‌های مربوط به پرواز و حرکت هواپیما را در کشور خود با مقررات معاهده شیکاگو هماهنگ نمایند.^۱

مقررات معاهده شیکاگو در خصوص هواپیماهایی که بر فراز دریاها پرواز می‌کنند، باید اجرا شوند. هر یک از کشورهای عضو معاهده تعهد نموده است همه کسانی را که از آیین‌نامه‌های مربوط تخلف و تخطی می‌کنند، مورد تعقیب قرار دهد.^۲

ضمناً، هر یک از کشورهای عضو معاهده، تعهد نموده است که برای حصول حدّ اعلای هماهنگی درباره مقررات، موازین، آیین‌نامه‌ها و تشکیلات مربوط به هواپیما، کارکنان، خطوط هوایی و سرویس‌های کمکی، در همه اموری که این هماهنگی موجب تسهیل و پیشرفت کار هوانوردی است، کمال مساعدت را مبذول دارد.^۳

برای حصول این منظور، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری هر موقع لازم بداند مقررات و طرحهای پیشنهادی و اصول معینی را که جنبه بین‌المللی دارد و مربوط به مسایل زیر می‌باشد اتخاذ کرده، یا اصلاحاتی در آن به عمل خواهد آورد:

الف- دستگاههای مخابراتی و وسایل هوانوردی که شامل علائم روی زمین می‌باشد؛

ب- خصوصیات و مشخصات فرودگاهها و مناطقی که هواپیما در آن فرود می‌آید؛

ج- قوانین مربوط به امور هوایی و مقررات مراقبت هوایی؛

د- صدور پروانه برای کارکنان هواپیما و کارمندان فنی آن؛

ه- قابلیت پرواز هواپیما؛

و- ثبت و تابعیت هواپیما؛

ز- جمع‌آوری و مبادله اطلاعات هوایی؛

ح- دفاتر پرواز و مسافرت هواپیما؛

ط- نقشه‌ها و طرحهای مربوط به امر هوایی؛

۲- همان، ماده ۱۲.

۱- همان، ماده ۱۲.

۳- همان، ماده ۳۷.

ی. مقررات گمرکی و مهاجرت؛

ک. کمک به هواپیما موقعی که به مخاطره افتاده باشد و رسیدگی به سوانح و سایر اقدامات مربوط به بی خطری و نظم و جریان صحیح و مرتب امور هوانوردی در مواقع ضروری.

اگر کشوری تشخیص دهد که اجرای هر یک از این موازین یا مقررات بین‌المللی، برای او غیر عملی است یا نمی‌تواند مقررات یا عملیات خود را با موازین و مقررات به طور کامل وفق دهد یا لازم می‌داند مقررات و ترتیباتی اتخاذ نماید که با موازین و مقررات بین‌المللی اختلاف داشته باشد باید فوراً اختلافات را به اطلاع سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری برساند.^۱

مواد مذکور^۲ همراه با استانداردهای قابل اجرای موجود در ضمیمه معاهده شیکاگو شامل مقررات هوانوردی (ضمیمه ۲)^۳ عملیات هواپیما (ضمیمه ۶)^۴ ارتباطات هوانوردی (ضمیمه ۱۰)^۵ و خدمات ترافیک هوایی (ضمیمه ۱۱)^۶ نه فقط برای ایکائو الزام قانونی ایجاد می‌کند تا با قاچاق مواد مخدر که از طریق عملیات پروازی هواپیما یا از طریق اختفای مواد مخدر در داخل بدنه هواپیماهای تجاری صورت می‌گیرد مبارزه کند، بلکه محمل قانونی برای کشورها ایجاد می‌کند تا اقدامات لازم را در جهت ممنوعیت و پیشگیری از قاچاق مواد مخدر به عمل آورند.

قاچاق مواد مخدر در زمینه هوانوردی تجاری بین‌المللی، به دلیل تعداد زیاد مسافر و حجم فراوان باری که از طریق فرودگاهها حمل و موجب ترافیک سنگین فرودگاهها می‌شوند، اهمیت زیادی داشته، مشکلاتی جدی به وجود می‌آورد. حمل و نقل منظم و

۱- همان، ماده ۳۸.

۲- همان، مواد ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، (ب) ۳۵، ۳۷ و ۶۸.

3. Annex 2, op. cit.

4. Annex 6, op. cit.

5. Annex 10 to the Convention on International Civil Aviation (Montreal: ICAO).

6. Annex 11 to the Convention on International Civil Aviation, 8th ed. (Montreal: ICAO, July 1987).

سریع مستلزم وجود تسهیلات فراوان و آیین‌ها و تشریفات ساده است تا بدین وسیله جریان انتقال ائات مسافران و بار از طریق پایانه‌های هوایی بین‌المللی سرعت پیدا کند. یکی از اهداف ایکائو ایجاد مقررات برای تسهیل پروازها، تخلیه سریع و مؤثر هواپیما و بار است. ضمیمه ۹ معاهده شیکاگو^۱ توصیه نموده است که تشریفات و امور اداری لازم در محل انجام کنترل مرزی به سرعت انجام گیرد. در این جا این مسئله مطرح می‌شود که آیا اقدامات مربوط به کنترل قاچاق مواد مخدر که موجب کندی عملیات تخلیه بار می‌شود و موجب می‌گردد که تشریفات کنترل با تأخیر صورت پذیرد، مخالف و مغایر اهداف ایکائو به خصوص ضمیمه ۹ معاهده شیکاگو نیست؛ آیا مقررات مربوط به تسهیل تشریفات پرواز مندرج در ضمیمه ۹ معاهده شیکاگو می‌تواند مانعی برای کنترل قاچاق مواد مخدر باشد؟ عموماً پذیرفته شده است که بازرسی تصادفی هواپیما و محموله آن به ندرت به معضلی بر سر راه تسهیل امر پرواز به شمار می‌رود. از طرف دیگر بازرسی‌های تصادفی در مقررات متعددی از ضمیمه ۹ توصیه گردیده است.^۲ ضمیمه ۹ برای پوشش دادن به مسایل امنیتی و ممانعت از دخالت غیرقانونی در هواپیما اصلاح گردیده است. این ضمیمه باید جهت تسری دادن این مقررات به کنترل قاچاق مواد مخدر مجدداً اصلاح گردد. اجلاس دهم بخش تسهیلات پروازی ایکائو (FAL)^۳ که در ۷ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۸۸ در مونترال برگزار شد، پیشنهادهای مربوط به توسعه ضمیمه ۹ را مورد مذاقه قرار داد.^۴ هرگونه تغییری در ضمیمه ۹ باید طوری تنظیم گردد که تلاش برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر اثری منفی غیرضروری بر منافع مربوط به

1. Annex 9 to the Convention on International Civil Aviation, 8th ed. (Montreal: ICAO, July 1980).

2. Para. 3.17, 3.17.1, 3.29, 3.30 and 6.27 relating to passengers; para. 4.12, 4.13, 4.22, 4.28 and 4.46 relating to cargo, and para. 5.1, 5.5 and 5.8 relating to transit traffic.

3. FAL stands for ICAO Facilitation Division.

۴- در این اجلاس، پیشنهادات متعددی در خصوص اصلاحات لازم برای ضمیمه ۹ مطرح گردید:

Measures to Facilitate Narcotics Control at International Airports, ICAO Doc. FAL/10.WP/103 (Aug. 8, 1988).

تسهیل امر پرواز نداشته باشد. امروزه اقدامات شدیدی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر در بسیاری از کشورهای جهان صورت می‌گیرد. حمل مواد مخدر در این کشورها قابل تحمل نبوده، با مجازاتهای سنگینی همراه است. نمونه‌هایی را می‌توان نام برد که در آنها متصدیان حمل و نقل تجارت هوایی یا مستخدمان یا نمایندگان آنها، به حمل غیرقانونی مواد مخدر مرتکب و در مواردی توقیف و محاکمه شده‌اند. در توقیف نگه داشتن هواپیمای یک خط هوایی، حتی برای چند ساعت می‌تواند اثرات سوء و نامطلوبی در برنامه‌های پرواز داشته باشد. یک شرکت هواپیمایی کوچک، با چنین مجازاتی صدمه اقتصادی غیرقابل جبرانی تحمل خواهد کرد.

تغییری که اخیراً در ضمیمه ۹ معاهده شیکاگو داده شده است، کشورهای متعاقد را ترغیب می‌کند که یادداشت تفاهمی با متصدیان حمل و نقل و فرودگاهها برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان منعقد نمایند.

سؤال این است که در صورت ورود مواد مخدر به کشوری با یک هواپیما، چه مسئولیتی متوجه متصدی حمل و نقل خواهد بود؟ متصدیان حمل و نقل باید در جهت حمل سریع و امن کالا و مسافر تلاش کنند ولی آنان وظایفی نظیر مسئولیت‌های پلیسی نسبت به مسافران و محموله هواپیما ندارند. در صورتی که مواد مخدر به طور غیرقانونی نزد مسافری کشف گردد مثلاً در جیب یا معده او یا در چمدان وی جاسازی شود، کاملاً غیرمنطقی است که مسئولیت را متوجه متصدی حمل و نقل بدانیم؛ مخصوصاً وقتی که مواد مخدر در بسته‌هایی جاسازی شده و فرستنده درباره محتویات آن اطلاعات دروغ به متصدی اظهار نموده باشد، متصدی نباید مورد سؤال قرار گیرد. برنامه هوایی توسط فرستنده تنظیم می‌گردد و وی مسئول صحت مشخصات و اوصاف کالایی است که در برنامه قید کرده، به متصدی می‌دهد تا در مقصد تحویل بگیرد. متصدیان حمل و نقل معمولاً قادر نیستند همه وسایل و اسباب مسافران را کنترل و از صحت و سقم اظهارات وی اطمینان یابند. کنترل محوله‌های کانتینری دشواری خاصی دارند و متصدیان حمل و نقل صلاحیت قضایی و حرفه‌ای چنین کاری را ندارند. استاندارد ایکائو برای تسهیل امر پرواز، متصدیان حمل و نقل را از هرگونه مسئولیتی در

این زمینه مبرّأ می‌داند و مطابق استاندارد ۳۸-۴ ضمیمه ۹ زمانی که کشور متعاهدی برای مدارک حمل‌نظیر بارنامه هوایی و فرمهای اظهارنامه و غیره شرایطی تعیین می‌کند، کشور مزبور نباید عامل حمل و نقل را مکلف به حصول اطمینان از تحقق این شرایط کند؛ از این رو در قبال عدم صحت مندرجات اسناد مزبور هیچ مسئولیتی متوجه متصدی حمل و نقل نخواهد بود؛ مگر اینکه وی خود وارد کننده یا صادرکننده و یا نماینده قانونی آنها بوده باشد.^۱ متصدیان حمل و نقل هوایی در مراحل مختلف قضایی رسیدگی به حمل غیرقانونی مواد مخدر، قربانی و هواپیمایشان توقیف نخواهد شد؛ مگر آنکه دلیلی بر قصور آنان در انجام وظایفشان در دست باشد یا در حمل مواد مخدر معاونت داشته باشند. این نظریه در سال ۱۹۸۵ در سومین کنفرانس ایکائو که توصیه‌نامه‌ای (توصیه نامه شماره ۹) را تصویب نمود، تقویت گردید. کنفرانس در این توصیه‌نامه به لزوم تلاش متصدیان حمل و نقل برای ممانعت از قاچاق مواد مخدر و نیز به حمایت از متصدیان حمل و نقل هوایی در برابر توقیف هواپیما در صورت فقدان دلیلی برای فرض مسامحه یا تقصیر در این خصوص تأکید کرد و با توجه به نقش و وظیفه‌ای که ایکائو بر اساس معاهده شیکاگو و مسئولیت‌هایش به عنوان عضوی از سازمان ملل متحد دارد قویاً از شورای ایکائو به خاطر تلاش در ممانعت از قاچاق مواد مخدر از راه هوا حمایت کرد.^۲

اظهار نظر شده است که توصیه‌نامه شماره ۹ سومین کنفرانس حمل و نقل هوایی ایکائو می‌توانست بهتر از این تنظیم گردد. با توجه به اینکه اصل بر براءت است، ذکر «فرض مسامحه» در توصیه‌نامه از نظر حقوق کیفری عبارت مناسبی نیست و بهتر بود عبارت «فعل عمد» ذکر می‌گردید؛ زیرا در این صورت نامل قابل ملاحظه‌ای برای احراز اینکه چه نوعی از مسامحه و چه درجه‌ای از آن به مسئولیت متصدی حمل و نقل

1. Standard 436 of Annex 9 to the Convention on International Civil Aviation (Montreal: ICAO).

2. "Recommendation 9", Report of the Third Air Transport Conference, ICAO Doc. 9470 (1985) 26.

مربوط می‌شود، اعمال می‌گردد.^۱

انخاذ تدابیر معقول توسط متصدیان حمل و نقل هوایی در جهت تلاش برای جلوگیری از حمل مواد مخدر می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: محدودیت یا ممنوعیت دسترسی غیر مجاز به هواپیما به منظور ممانعت از اختفای مواد غیر قانونی در آن، محدودیت دسترسی غیر مجاز به چمدان‌ها و محموله در خلال بارگیری، تخلیه یا انبار کردن محموله، آموزش کارکنان برای شناسایی اشخاص مشکوک و کشف محموله ممنوعه.

بازرسی تصادفی خدمه، مسافران و محموله هواپیما توسط متخصصان و تفتیش پلیس، و وظیفه مقامات مجری قانون در کشورهاست. این اقدامات مانعی بر سر راه تسهیل امر پرواز تلقی نمی‌گردد؛ زیرا این اقدامات به امنیت و نظم پروازی که متصدی حمل و نقل تأمین آن را به عهده دارد مربوط نمی‌شود. اگر نقصی در این زمینه وجود داشته باشد و مسافران مرتکب عمل خلاف گردند، تقصیری متوجه متصدیان حمل و نقل نیست و نباید مجازات گردند.^۲

آیا نیازی به وضع مقررات بین‌المللی دیگری برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر از طریق هوا وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که مقررات معاهده شیکاگو در این خصوص کافی بوده، به کشورها امکان و اجازه می‌دهد با قاچاق مواد مخدر در محدوده هواپیمایی کشوری مبارزه کنند. علاوه بر آن، استانداردهای فنی موجود در ضمایم معاهده شیکاگو، در صورتی که از سوی کشورها رعایت شوند، ممکن است به مقدار زیادی در جهت کاهش قاچاق مواد مخدر و اختفای این مواد در اجزای بدنه هواپیما کارآیی داشته باشند.

با وجود این، ایکائو در مورد تقویت استانداردهای بین‌المللی هواپیما از جنبه‌های

1. Milde, op. cit. at 153.

2. Milde. op. cit. at 140.

مختلف می‌تواند مقرراتی وضع کند؛ مثلاً استانداردهای مربوط به قابلیت پرواز و طراحی هواپیما می‌تواند به گونه‌ای تعیین گردد که امکان اختفای مواد مخدر را از بین برده یا کاهش دهد. می‌توان سیستم اعلام خطر را در بدنه هواپیما تعبیه کرد که در صورت باز شدن محل‌های استقرار تجهیزات، یا ورود بدون مجوز افراد غیرمسئول، هدایتگر هواپیما را از آن با خبر سازد. همین کار را می‌توان با لاک و مهر کردن نقاط مهم قابل دسترسی هواپیما انجام داد تا در صورت باز شدن این قسمت‌ها، مسئولان مربوط آگاه شوند. تمامی پروازها باید دقیقاً تا پایان پرواز رهگیری و موقعیت هواپیما و انحرافهای آنها از مسیر پرواز به طور مرتب گزارش شوند. فرستنده‌های راداری در نقاط حساس برای کنترل هواپیما به کار گرفته شوند. از لحاظ مقررات فنی، در اجرای هدف شماره ۲۶ «طرح جامع کنترل مواد مخدر» (بازرسی زمینی، آب و فضای نزدیک مرزها) و شماره ۲۸ (کنترل کشتیها در دریای آزاد و نیز هواپیماها در فضای بین‌المللی)، آژانس‌های کنترل ترافیک هوایی باید همکاری کنند و در صورت مشاهده عملیات مشکوک، موارد را به مقامات مسئول همچنین پلیس یا ستادهای مبارزه با مواد مخدر گزارش نمایند.